

اعتبارسنجدی- رجالی احادیث پزشکی جلد دوم «خصال» شیخ صدوق(ره)

سید عبدالله اصفهانی (استادیار گروه تفسیر و علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، آمل) (نویسنده مسئول)
esfahaniquran@gmail.com

فاطمه محمدحسینی (کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل)
Iran۳۴۰۰۲@gmail.com

مصطفویه بهزادی (کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن از دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل)
Yasekabood918@gmail.com

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵)



چکیده

کتاب خصال شیخ صدوق، از جمله میراث حدیثی ارزشمند مخصوصان است که همواره مورد اعتماد عالمان شیعه بوده است. اعتبار علمی و رجالی شیخ و ویژگی‌های مثبت حدیث‌نگاری وی، تنوع مفاده و... این تألیف گران‌سینگ را از ویژگی‌های بارزی بهره‌مند کرده است. مطرح شدن مباحث علمی مربوط به «رابطه تعامل علم و دین»، «پیشرفت‌های روزافزون دانش‌های تجربی»، «گرایش جوامع پیشرفته و مسلمان به سوی طب سنتی» و «باور مسلمانان به خطاناپذیری آموزه‌های قرآن و روایات معتبر»، ضرورت بازنگری ویژه‌ای در خصوص آموزه‌های پزشکی روایات و سیره مخصوصان را می‌طلبد. پرسش اساسی مقاله حاضر - که به روش کیفی، توصیفی، تحلیلی، نقلی و آماری نگارش یافته است -، چیستی اعتبارسنجدی سنجدی - رجالی ۵۳ روایت پزشکی مجلد دوم این کتاب، به عنوان یکی از شیوه‌های فهم و نقد احادیث پزشکی است. دستاورد نوآورانه مقاله حاضر، کشف بیش از ۷۸/۵ درصد «راوی ثقه» در زنجیره اسناد احادیث فوق، اشتغال بر ۸۱ درصد «روایات مسنند» و ۴۸ درصد «روایات موثق و صحیح» قابل پذیرش محدود است که نتیجه آن برخورداری ۵۳ روایت طبی خصال از قوت سنجدی و رجالی فراوان خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: خصال صدوق(ره)، احادیث پزشکی، اعتبارسنجدی، ارزیابی سنجدی،

ارزیابی رجالی.

۱ - طرح مسئله

میراث گران‌سنت و سیره معصومان علیهم السلام همواره از سوی مسلمانان و عالمان اسلامی به چشم تکریم نگریسته شده است؛ لکن مطرح شدن مباحث علمی مربوط به ماهیت علوم تجربی و رابطه آن با آموزه‌های برخاسته از متون دینی، گرایش گسترده جوامع پیشرفتی و مسلمان به سوی طب سنتی، باور مسلمانان به خطان‌پذیری آموزه‌های قرآن و روایات معتبر، موجب بازگرایشی ویژه‌ای به سوی آموزه‌های بهداشت و سلامت قرآن و روایات و سیره معصومان علیهم السلام شده است.

کنکاش از فرآیند فهم عالمنانه روایات پزشکی و بررسی مسئله اتصال و انفصل اسناد و وثوق سندی - رجالی این روایات، بهویژه با توجه به توسعه علوم تجربی و دستاوردهای گسترده دانش پزشکی مدرن، محتاج نظام‌سازی خاص و روش‌شناسی فهم و نقد روایات پزشکی است، به گونه‌ای که موجب تمایز علم از غیر علم و شبه علم گردد. ترسیم روش‌شناسی فهم و نقد حدیث، از اساسی‌ترین چالش‌های روایات پزشکی شمرده می‌شود.

در گذشته طراحی دو علم رجال و درایه از سوی عالمنان عقل‌گرا و اصولی شیعه و به هدف «شناخت احوال راویان حدیث از حیث احراز شرایط جواز یا عدم جواز قبول گفთارشان مانند صداقت، عدالت، فسق و...» (ر.ک: سبحانی، ۱۴۰۸: ۱۱) و «کیفیت نقل حدیث از سوی راویان، به لحاظ اتصال و انفصل زنجیره ناقلان حدیث و یا داشتن سند، ارسال سند و مانند آن» (ر. ک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۵: ۳) تلاشی در راستای دستیابی به روایات معتبر بوده است.

لازم به یادآوری است، ممکن است از راه سند حدیث (به طور مستقل) و یا به کمک قرائناً دیگر (جداگانه و یا توأم با کمک گرفتن از سند حدیث) از صادر شدن یک روایت از معصوم علیهم السلام، اطمینان حاصل شود. در مقابل اگر از صحت سندی یک حدیث، به کمک شناسایی راویان و اتصال سند، اطمینان بیاییم، گفته می‌شود «وثوق سندی» به آن تحصیل شده است. نسبت بین «وثوق صدوری» و «وثوق سندی» حدیث، عموم و خصوص من وجه است. یعنی ممکن است گاهی از صحت سندی روایتی مطمئن باشیم، لیکن به دلیل این‌که قطع داریم - فی المثل به

خاطر مخالفت حدیث با قرآن و سنت معتبر - چنین حدیثی از معصوم^{علیه السلام} صادر نشده، «وثوق صدوری» حاصل نشود. از سویی، گاهی «وثوق صدوری» حاصل است، ولی سند روایت قابل پذیرش نیست. در نهایت، در موارد متعدد نیز هم «وثوق سندی» و هم «وثوق صدوری» وجود دارد. نتیجه آن که: «وثوق سندی» صرفاً «قرینه»‌ای برای دست‌یابی به «وثوق صدوری» است و با تحصیل آن، به بهره‌گیری عملی از روایت، نزدیکتر می‌شویم. هرچند علت تامه، در قطعی الصدور بودن روایت محسوب نمی‌شود. یعنی چه بسا از راه صحبت سندی حدیث، نتوان صحبت و سقمه مفاد آن را تشخیص داد.

از طرفی، اعتبار علمی - رجالی کتب حدیثی، اعتبار مأخذ و منابعی که در نگارش آن به کار رفته، محدوده زمانی نگارش کتب حدیثی و... همگی درجات و مراتب متفاوتی از اعتبار را برای حدیث - و از آن جمله روایات پژوهشی - در پی دارد. برای نمونه، اعتبار منابع حدیثی اصیل - که جزو اولین کتب روایی شیعه است و در عصر معصومان^{علیهم السلام} و یا نزدیک به آن دوران نگاشته شده -، طبعاً از منابع حدیثی متأخر، بیشتر است. این تفاوت درجه اعتبار حتی در میان کتاب‌های نگارش شده توسط یک نویسنده نیز مشاهده می‌شود، به طوری که اعتبار برخی از کتب یک نویسنده، نسبت به برخی دیگر از تألیفاتش، متفاوت است. برای نمونه، اعتبار کتاب مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ شیخ صدوق، به دلیل آن که فتواش محسوب می‌شود، از اعتبار کتاب علل الشرائع که در آن روایات مرتبط با مسئله استدلال یا نظیر آن را آورده و با استفاده از قواعد نقد حدیث، آن را نقادی نموده، متفاوت است.

پژوهش‌های سندی - محتوایی در حوزه روایات پژوهشی، در حوزه و دانشگاه با تساهل آغاز شده و هنوز مرحله نوجوانی خویش را سپری می‌کند، به طوری که فقدان مطالعات موشکافانه و کاربردی در این حوزه، مشهود است. پژوهش در خصوص روایات پژوهشی در تألیفات حدیثی مرحوم شیخ صدوق به عنوان یکی از درخشان‌ترین چهره‌های علمی امامی و پرکارترین محدث شیعی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چیستی صحبت و سقمه سندی - رجالی روایات پژوهشی منقول از شیخ صدوق در کتاب خصال، یکی از حلقات مفقوده در این حوزه و پرسش اساسی مقاله حاضر محسوب می‌شود که پیرو پژوهش نگارندگان تا کنون ضمن کتاب، پایان‌نامه و مقاله‌ای انجام نشده است.

۲ - روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کیفی توصیفی - تحلیلی است و شیوه استخراج اطلاعات و جمع‌آوری مطالب بر اساس شیوه پژوهشی و کتابخانه‌ای و جستجو در احادیث پزشکی و همچنین با استفاده از نرم‌افزارهای «درایة النور» و اسناد شیخ صدوق (طراحی شده از سوی مؤسسه کامپیوتری علوم اسلامی) است. در این پژوهش، روایات پزشکی کتاب خصال صدوق به چهار بخش: بهداشت، تغذیه، درمان و پیشگیری، دسته‌بندی شده، آن‌گاه به بررسی سندي و رجالی آن مبادرت شده است. باشد تا نتیجه این پژوهش، هم‌راستا با اهتمام آموزه‌های اسلامی در مسئله سلامت درمان، در جهت ارتقای سلامت در جامعه اسلامی قرار گیرد.

۳ - انگیزه تألیف کتاب

شیخ صدوق درباره انگیزه نگارش این کتاب می‌نویسد: «با تحقیق در تأییفات مشایخ و علمای بزرگ گذشته دریافتمن که آنان در بخش‌های مختلف علوم، کتاب‌هایی نگاشته‌اند؛ اما از تدوین کتابی که بر اساس شماره باشد و شامل خصلت‌های نیکو و مذموم باشد، غفلت ورزیدند و با توجه به فایده فراوان این موضوع برای جوینده علم، برآن شدم تا برای تقرب به درگاه الهی، دست به نگارش چنین کتابی بزنم تاذبه پاداش الهی و خوش‌بختی و رحمت خداوند متعال نایل گردم» (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۱).

۴ - اقوال علماء در حق شیخ صدوق

بسیاری از عالمان شیعه از مقام علم و تقوای شیخ صدوق سخن گفته‌اند که در اینجا به نقل اقوال برخی رجالیون مشهور اکتفا می‌کنیم. شیخ طوسی در الفهرست، شیخ صدوق را شخصی جلیل، حافظ احادیث، بصیر نسبت به رجال و ناقد اخبار دانسته که میان قمی‌ها کسی مثل ایشان در حفظ و کثرت علمی دیده نشده است. وی در ادامه می‌گوید: «صدق حدود سیصد کتاب دارد». علمای دیگر نیز از مقام شامخ علمی و جایگاه اخلاقی و نفسانی شیخ صدوق تجلیل کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به ابن شهر آشوب مازندرانی، ابن ادریس حلّی، علامه حسن بن یوسف بن علی بن مطهر حلّی، محقق کرکی، شهید اول، شهید ثانی و... نام برد. خطیب بغدادی از علمای اهل سنت در مورد وی می‌نویسد: «او به بغداد آمد و از پدرش



نقل حدیث کرد و از شیخ شیعه و مشهورین راضی‌ها بود. محمد بن طلحه نعالی از او بر ما حدیث کرده است» (امین، ۱۴۰۳: ۲۴/۱).

۵- شخصیت شیخ صدوق

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (م ۳۸۱ق)، معروف به ابن بابویه و صدوق است. نجاشی در رجالش درباره وی می‌نویسد: «ایشان ساکن ری، شیخ و فقیه ما و در خراسان مورد قبول همگان بوده است و در سال ۳۵۵ قمری وارد بغداد و بزرگان قوم از او استماع حدیث کرده‌اند» (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸۹).

وی در علم حدیث، نه تنها به عنوان ناقل، بلکه به عنوان نقاد احادیث و آگاه به رجال مطرح و در کتاب‌هایش از پدرش به عنوان یکی از استادان خود نام برده است. صدوق بعد از فوت پدر به نزد ابن ولید رفته و به مدت پانزده سال شاگرد او بوده است. شیخ صدوق در امور رجالی کاملاً مقلد استادش ابن ولید قمی بود و هر جا خواسته کسی را نقد رجالی نماید، نظر استادش ابن ولید را آورده است. دوران زندگی آن دانشمند بزرگ شیعه، تلاشی پیگیر و مداوم در دستیابی به ذخایر حدیثی ائمه، شرح و بسط آن و حفظ کیان امامیه از انحرافات درونی و خطرات بیرونی است.

شیخ صدوق نزد استادی بزرگی همچون پدر بزرگوارش علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، محمد بن حسن بن احمد بن ولید، حمزه بن محمد بن احمد بن جعفر بن محمد بن زید بن علی[ؑ]، ابو الحسن، محمد بن قاسم، ابو محمد، قاسم بن محمد استرآبادی، ابو محمد، عبدالوس بن علی بن عباس گرگانی و محمد بن علی استرآبادی تلمذ نموده است. همچنین شاگردان مبرّزی نظری برادرش حسین بن علی بن موسی بن بابویه قمی، شیخ مفید، پدر شیخ نجاشی، ابن غضائی، استاد شیخ طوسی، شیخ ابو جعفر، شیخ ابو البرکات، علی بن حسن خوزی و... را پرورانده است. حسین بن عبید الله غضائی از وی حدیث شنیده و به دریافت اجازه نقل روایت، نایل آمده است (آزادی، ۱۳۹۰: ۱۵۳؛ مؤدب، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

۶- مفهوم‌شناسی

اعتبار

واژه «اعتبار» از باب افعال به معنی برگزیدن عبور و شروع به آن است. انسان صاحب عقل و اندیشه با مشاهده امور و قضایای مفید، در جهت پیش‌برد مسائل دنیوی و اخروی خود بهره

می‌گیرد و این نتایج را در وجود خودش هم تطبیق می‌دهد؛ چرا که انسان مؤمن با دیدن قضایا عبرت می‌گیرد (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۸/۸).

اعتبارسنجدی

اعتبارسنجدی شیء به معنی سنجش اعتبار آن با معیارهای خاص در آن مقوله است. به عبارت دیگر، دلالت بر گونه‌ای ارزیابی و سنجش اعتبار یک امر، برای بهره‌مندی از آن در موارد نیاز. اعتبارسنجدی «حدیث» نیز عبارت است از: سنجش سند، متن و منبع حدیث، برای آگاهی از درجه اعتبار آن و جداسازی و تمیز احادیث معتبر از احادیث غیر معتبر. اعتبارسنجدی حدیث را می‌توان با نقد حدیث، متراffد دانست، در نقد حدیث نیز، محدثان در پی جداسازی احادیث درست از احادیث نادرست هستند (مسعودی، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

اعتبارسنجدی روایات طبی، مانند هر روایت دیگر نیازمند اعتبارسنجدی به منظور تعبد و عمل به آن یا باور کردن آن است. روایت‌های در دسترس ما، به گونه مستقیم و بدون واسطه از معصوم علیهم السلام دریافت نشده‌اند بلکه در جریان نقل و گذر از دهان‌سل، به گونه مجموعی و اجمالی، دست‌خوش برخی آسیب‌های ریز و درشت مانند تحریف، وضع و تقطیع گشته‌اند. (مسعودی، ۱۳۹۷: ۱۲)

اعتباربخشی

اعتباربخشی کتب حدیثی، عبارت است از: کاوشی دوباره در متون و طرق آن و اثبات سلامت متن و بررسی قوّت طریق دستیابی به این کتب و شناساندن مؤلفان آنها، با استفاده از دانش رجال (معارف، ۱۳۹۷: ۲۸۲).

۷- اعتبارسنجدی اجمالی کتاب «خصال» شیخ صدق

خصال صدق مانند دیگر کتاب‌های وی مورد توجه خاص عالمان شیعه قرار گرفته و روایات آن در بسیاری از مجموعه‌هایی روایی شیعه مانند کتب اربعه، بحارالأنوار و وسائل الشیعه آمده و در کتب روایی علمای متأخر از شیخ صدق نیز مندرج شده است.

کتاب خصال با وجود حجم کم، دایرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی و احکام حلال و حرام است و به مباحث تاریخی، تفسیر قرآن، نکات فلسفی و مسائل سیاسی نیز اشاره دارد.

روایات این کتاب از نظر موضوع، بسیار گسترده است و در بسیاری از موضوعات اخلاقی و عقیدتی، روایاتی نقل شده که به شکلی با اعداد در ارتباط آند (ابن بابویه، ۱۳۶۲: ۹).

۸-وحیانیت یا عادیات بودن مفاذ روایات پزشکی

در بررسی انتساب روایات علمی و پزشکی به معصوم^ع سه دیدگاه وجود، امکان (= توقف) و امتاع در خصوص آگاهی معصومان^ع به علوم بشری همچون نجوم، پزشکی، تغذیه، بهداشت و... وجود دارد.

گروهی از غلات همچون مفوضه، اخباریان و غالب عالمان شیعه و... معتقد به وجود آگاهی معصوم^ع از علوم مختلف آند. متکلمان مکتب بغداد، شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، شریف مرتضی (م ۴۳۶ ق)، شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ ق) و... وجود احاطه امام بر علوم مختلف را قابل اثبات ندانسته و توقف کرده‌اند. بزرگ‌ترین عالمان شیعه در قرن چهارم، همچنین سید حسین مدرس، سید حسین مدرسی طباطبائی، محسن کدیور، عبدالکریم سروش و... در طیف معتدل‌ترین تا رادیکال‌ترین طرفداران انکار او صاف فراشتری معصومان^ع هستند.

در خصوص وحیانی بودن و حجتی داشتن اصل «روایات طبی» به طور خاص - نه همه احادیث طبی موجود در میراث روایی - دو دیدگاه مخالف و موافق وجود دارد:

غالب عالمان فرقین در گذشته و حال نظیر ابن قیم جوزی (م ۷۵۱ ق)، سبکی، محلی و بنایی و محدثان اهل سنت مانند بخاری (م ۲۵۶ ق)، مسلم (م ۲۶۱ ق)، ابوداود (م ۲۷۵ ق)، ابن ماجه (م ۲۷۳ ق) و ترمذی (م ۲۷۹ ق)، همچنین محدثان شیعی نظیر شیخ مفید (م ۴۱۳ ق)، ابن طاووس و... قائل به منشأ و حیانی داشتن و حجتی احادیث پزشکی آند (مجلسی، ۱۴۲۳: ۳۰؛ سبکی، ۱۳۵۶: ۹۵) و برخی دانشمندان اسلامی همچون قاضی عیاض (م ۵۴۴ ق) (ابن سينا، ۱۳۶۳: ۲۵۶/۲)، ابن خلدون (م ۸۰۸ ق) (ابن خلدون، بی‌تا: ۴۹۴)، شاه ولی‌الله دهلوی (م ۱۱۷۶ ق) (بناء احمد، بی‌تا: ۲۲۴)، أشقر فقيه اصولي معاصر (اشقر، ۲۰۰۳) و... ضمن پذيرش صدور روایات طبی از پیامبر^{صلی الله علیه و آله و آله و آله و آمین} بر آن‌اند که پیامبر^{صلی الله علیه و آله و آله و آله و آمین} برای تعلیم تشریعیات مبعوث شده و اقوال و افعال دنیوی ایشان از قبیل روایات علمی و پزشکی را از «عادیات» و غیر وحیانی دانسته‌اند که

امکان خطا در آن می‌رود؛ لذا حجیت ندارد و عمل به آن الزامی و واجب نیست، چنانچه خطای عادیات، نقصی به پیامبری ایشان وارد نمی‌نماید.

فراز و نشیب دیدگاه‌های عالمان شیعه در خصوص آگاهی معصومان ﷺ به همه علوم دینی و علوم بشری فراوان است، لیکن بررسی دقیق در خصوص احادیثی که بیانگر ویژگی‌های علمی، سرچشم‌بهانه دانش‌ها و انواع دانش‌های معصومان ﷺ است، نشان می‌دهد که آن بزرگواران در صورت اقتضای جایگاه ولایی شان، از همه علوم از طریق الهام برخوردار بوده‌اند به طوری که هرگاه اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند. چنانچه امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمًا»؛ امام، آن‌گاه که بخواهد بداند، می‌داند (محمدی‌شهری، ۱۳۹۴: ۲۰). از این‌رو به دلیل دیدگاه غالب داشمندان فریقین در وحیانی بودن و حجیت روایات پژوهشکی (بستانی، ۱۳۹۵: ۴ - ۳) و برای پیشگیری از انسداد بحث، امکان یا وجوب آگاهی معصومان ﷺ را پیش‌فرض پژوهش قرار می‌دهیم.

دلایل موافقان وحیانی بودن و حجیت همه روایات پژوهشکی مستند به آیه سوم و چهارم سوره نجم: «وَ مَا يَنْطَلِقُ عَنِ الْهُوَى، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى» استدلال کامل نیست؛ زیرا مربوط به بخش تشریعی از سخنان پیامبر ﷺ است، نه حوزه عادیات (همان: ۵ - ۸). نتیجه آن‌که، مقتضی حجم فراوان احادیث پژوهشکی معصومان ﷺ، پذیرش فی الجملة آن‌ها از سوی عالمان فریقین، وجود این روایات در میراث حدیثی فریقین و منابع کهن حدیثی معتبر، اعتبار سندی و محتوایی برخی از احادیث فوق و... پذیرش اصل صدور احادیث پژوهشکی از سوی معصومان ﷺ در حوزه تغذیه، بهداشت، پیشگیری و درمان، در راستای هدایت جسمانی، به عنوان متمم کمال معنوی است. هرچند ممکن است آن بزرگواران، گاه دیدگاه شخصی و تجربی خویش و چه بسا در مواردی بنابر شأن ولایی خویش پاسخ مناسبی فرموده‌اند (ر.ک: همان: ۶۸ - ۹۱؛ فاطمی، ۱۳۹۷).

نتیجه آن‌که بسیاری از احادیث پژوهشکی که صدور آن‌ها از سوی معصوم ﷺ قطعی است، ماهیت تعبدی و عبادی مانند نماز، روزه و حج ندارد؛ بلکه ماهیتی از عادیات و غیر عبادی و عموماً امضایی و تقریری‌اند، مگر آن‌که صدور روایت در ذیل شأن ولایی معصوم ﷺ ثابت شود، که آن‌گاه حجیت خواهد داشت. از این‌رو شریف مرتضی در الشافی فی الامامة مسی نویسد: «معاذ الله أن نوجب له من العلوم إلا ما تقتضيه ولایته» (شریف مرتضی، ۱۴۲۶/۳: ۱۶۴).

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه‌اند:

- برخی از آن‌ها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آن‌ها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست.
- در برخی از آن‌ها، معصوم ع بر پایه آنچه از حال و طبع سوال‌کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛
- برخی از آن‌ها را «مخالفان»، با هدف رشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛

- در برخی از آن‌ها، سهولی از راوی حدیث، سر زده است؛
- در برخی از آن‌ها بخشی از حدیث حفظ شده و بخشی دیگر از آن، فراموش شده است.
- در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمان درست بیماری از امامان ع رسیده، مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعا‌هایی است که به حکم سندهای قوی و طرُق صحیحی که به واسطه آن‌ها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهند شد (ابن بابویه، ۱۴۱۴: ۱۱۵).

۹- اعتبار سنجی سندی روایات پژوهشکی جلد دوم «خصال» صدوق

بنابر پژوهش نگارندگان، احادیث پژوهشکی جلد دوم خصال، اولاً به لحاظ «ارزیابی سندی» از مجموع ۵۲ حدیث طبی، ۳۸ حدیث ضعیف، ده حدیث صحیح و پنج حدیث موثق‌اند؛ ثانیاً: نتیجه کنکاش در زنجیره استناد روایات فوق از حیث «اتصال و انفصل سند»، دستیابی به ۴۳ حدیث «مسند»، پنج حدیث «مرفوع» و پنج حدیث «مرسل» است.

لازم به یادآوری است، به لحاظ اصطلاحات علم حدیث:

حدیث صحیح: حدیثی که سلسله سند آن توسط افرادی موثق و امامی مذهب به معصوم متصل گردد. برای نمونه حدیث: «(۷۵ - ۸۸۰) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدِ الْأَكْمَمِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَينِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ».

حدیث موثق: حدیثی که سند آن به معصوم متصل باشد و در تمام طبقات یا لااقل یکی از آنها راوی‌ای که به رغم امامی نبودن عالمان شیعه، او را توثیق نموده باشند وجود داشته باشد و ماقبلی راویان ممدوح امامی یا عدل امامی باشند. برای نمونه حدیث: «(۸۵ - ۸۹۰)

وَعَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ
الله
قالَ قَالَ رَسُولُ

حديث ضعيف: حديثی که اعتبار آن از جهت اوصاف راویان ثابت نشده باشد. برای نمونه حدیث: «(۸۹۲ - ۸۷) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدٍ
بْنِ عَيْسَى عَنْ عُتْبَيَةَ عَنْ أَبِي أَئْوَبِ الْمَدِينيِّ عَنْ أَبْنَ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ هَشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ».

حديث مسنده: به حديثی گفته می‌شود که سلسله سند آن، بدون افتادگی راوی تا معصوم ذکر شده باشد. بدین‌گونه راوی بدون واسطه، حدیث را از راوی پیشین گرفته و نقل کرده تا به معصوم رسیده باشد. از «حدیث مسنده»، به «حدیث متصل» هم تعبیر می‌شود. برای نمونه حدیث: «(۸۸ - ۸۹۳) حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَسَانَ الرَّازِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ
الله
قالَ قَالَ رَسُولُ

حديث مرفوع: روایتی است که در آن، نام یک یا چند نفر از سلسله راویان ذکر نشده باشد. برای نمونه: «(۹۸۲ - ۱۹) حَدَّثَنَا عَلَيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ
يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ».

حديث مرسل: حديثی که راوی آن را از معصوم نشنیده، بدون واسطه از وی نقل کرده باشد و یا با واسطه نقل کرده باشد؛ اما واسطه را فراموش کرده و به فراموشی تصریح نموده و یا از روی عمد یا سهو، آن را نیاورده باشد و یا واسطه را به ابهام ذکر کرده باشد. مانند تعبیر «عن رجل» یا «عن بعض اصحابنا»، واسطه حذف شده، یکی باشد یا بیشتر. برای نمونه: «(۳۷ - ۱۰۰)
حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ
بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ».

جدول «شماره و کد احادیث پژوهشی»، «لیست ارزیابی سندی احادیث» و «تشریح تفصیلی وضعیت اتصال و انفصل سند هر روایت» به شرح ذیل تقدیم می‌شود:

جدول «ارزيابي» و «اتصال و انفصال» جلد دوم خصال شيخ صدوق

رد	كـد	ارزيابي سندـي	اتصال سـندـي	حـدـيـث		
				سـنـدـي	سـنـدـي	سـنـدـي
١	٦٣-٨٦٨	*	*	... قـالـ سـمـعـتـ أـبـا عـبـدـ اللـهـ يـقـولـ اـحـتـجـمـ رـسـوـلـ اللـهـ يـوـمـ الـإـثـنـيـنـ وـأـعـطـىـ الـسـجـامـ بـرـأـ.
٢	٦٤-٨٦٩	*	*	... عـنـ أـبـي عـبـدـ اللـهـ قـالـ كـانـ رـسـوـلـ اللـهـ يـعـتـجـمـ يـوـمـ الـإـثـنـيـنـ بـعـدـ الـعـصـرـ.
٣	٦٥-٨٧٠	*	*	... عـنـ أـبـي عـبـدـ اللـهـ قـالـ الـحـجـامـةـ يـوـمـ الـإـثـنـيـنـ مـنـ آخـيرـ الـنـهـارـ تـشـلـ الـدـاءـ سـلـاـ مـنـ الـبـدـنـ.
٤	٦٨-٨٧٣	*	*	... قـالـ رـسـوـلـ اللـهـ مـنـ اـحـتـجـمـ يـوـمـ الـثـلـاثـاءـ لـيـسـنـعـ عـشـرـةـ أـوـ تـسـعـ عـشـرـةـ أـوـ لـأـحـدـيـ وـعـشـرـينـ مـنـ الشـهـرـ كـانـتـ لـهـ شـفـاءـ مـنـ كـلـ دـاءـ مـنـ آذـوـهـ السـنـةـ كـلـهـ وـكـانـتـ لـمـاـ سـوـىـ ذـلـكـ شـفـاءـ مـنـ وـجـعـ الرـأـسـ وـالـأـضـرـاسـ وـالـجـنـونـ وـالـجـدـامـ وـالـبـرـصـ.
٥	٧٠-٨٧٥	*	*	... قـالـ دـخـلـتـ عـلـيـ أـبـي الـحـسـنـ عـلـيـ بـنـ مـحـمـدـ الـعـسـكـرـيـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ وـهـوـ يـعـتـجـمـ قـلـتـ لـهـ إـنـ آـهـلـ الـحـرـمـيـنـ يـرـوـونـ عـنـ رـسـوـلـ اللـهـ أـنـهـ قـالـ مـنـ اـحـتـجـمـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ فـأـصـابـهـ بـيـاضـ فـلـاـ يـلـوـمـ إـلـاـ نـفـسـهـ قـالـ كـذـبـوـ إـنـماـ يـصـبـ ذـلـكـ مـنـ حـمـلـتـهـ أـمـهـ فـيـ طـمـثـ.
٦	٧١-٨٧٦	*	*	... رـأـيـتـ أـبـي الـحـسـنـ مـوـسـىـ بـنـ جـعـفـرـ اـحـتـجـمـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ وـهـوـ مـحـمـومـ فـلـمـ تـرـكـهـ الـحـمـيـ فـاـحـتـجـمـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ فـقـرـكـتـهـ الـحـمـيـ.
٧	٧٢-٨٧٧	*	*	... كـبـتـ إـلـىـ أـبـي الـحـسـنـ الـائـيـ أـسـأـلـهـ عـنـ الـخـرـوجـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ لـأـ يـدـوـرـ فـكـبـتـ مـنـ خـرـجـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ لـأـ يـدـوـرـ خـلـافـاـ عـلـىـ آـهـلـ الـطـيـرـةـ وـقـىـ مـنـ كـلـ آـفـةـ وـعـوـفـيـ مـنـ كـلـ دـاءـ وـعـاـهـةـ وـقـضـىـ اللـهـ لـهـ حـاجـةـ وـكـبـتـ إـلـيـهـ مـرـةـ أـخـرىـ أـسـأـلـهـ عـنـ الـحـجـامـةـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ لـأـ يـدـوـرـ فـكـبـتـ مـنـ اـحـتـجـمـ فـيـ يـوـمـ الـأـرـبـعـاءـ لـأـ يـدـوـرـ خـلـافـاـ عـلـىـ آـهـلـ الـطـيـرـةـ عـوـفـيـ مـنـ كـلـ آـفـةـ وـقـىـ مـنـ كـلـ آـفـةـ وـلـمـ تـخـرـصـ مـحـاجـمـهـ

نº	كد	شهر وسنة	ارزیابی سندی	اتصال سند	عنوان	مسند	عمل	ضعف	موقع	مسند	حروف	الحديث
٨	٧٥-٨٨٠		*		... قالَ رأيْتُ أبا عَبْدِ اللَّهِ احْتَجَمْ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءَ بَعْدَ الْعَصْرِ.	*		*				
٩	٧٦-٨٨١		*		... عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ وَقَوَا الْحِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَالْتُّورَةَ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ يَوْمٌ تَحْسِ مُسْتَمِرٌ وَفِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ.	*		*				
١٠	٧٧-٨٨٢		*		... قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَوَقَّى التُّورَةَ يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ فَإِنَّهُ يَوْمٌ نَحْسِ مُسْتَمِرٌ.	*		*				
١١	٧٩-٨٨٤		*		... قَالَ دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ وَهُوَ يَحْتَجِمْ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ اتَّحَدِجْ فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ فَقَالَ تَعَمَّ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مُحْتَجِمًا فَلَيَحْتَجِمْ فِي يَوْمِ الْحَمِيسِ فَإِنَّ عَشِيَّةَ كُلِّ جُمُعةٍ يَسْتَدِرُ الدَّمْ فَرَقًا مِنَ الْقِيَامَةِ وَلَا يَرْجِعُ إِلَى وَكُروِ إلى غَدَةِ الْحَمِيسِ ثُمَّ التَّفَتَ إِلَى غُلَامِهِ رُبِيعَ فَقَالَ يَا رُبِيعَ اشْدُدْ قَصْبَ الْمَلَازِمِ وَاجْعَلْ مَصَّكَ رَخِيًّا وَاجْعَلْ شَرْطَكَ رَحْنًا «٤» وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنِ احْتَجَمْ فِي آخِرِ حَمِيسٍ مِنْ الشَّهْرِ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ سُلَّمَ مِنْهُ الدَّاءَ سَلَّا.	*		*				
١٢	٨٢-٨٨٧		*		... قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مَنْ قَصَ أَطَافِيرَهُ يَوْمَ الْحَمِيسِ وَتَرَكَ وَاحِدَةً لِيَوْمِ الْجُمُوعَةِ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ.	*		*				
١٣	٨٣-٨٨٨		*		... عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ الْقَلَاءِ قَالَ: رأيْتُ أبا إِنْرَاهِيمَ يَحْتَجِمْ يَوْمَ الْجُمُوعَةِ فَقُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ تَحْتَجِمْ يَوْمَ الْجُمُوعَةِ قَالَ أَقْرَأْ أَيْةَ الْكُرْسِيِّ فَإِذَا هَاجَ بِكَ الدَّمْ لَيْلًا كَانَ أَوْ نَهَارًا فَاقْرَأْ أَيْةَ الْكُرْسِيِّ وَاحْتَجِمْ.	*		*				
١٤	٨٥-٨٩٠		*		... عَنْ عَلَيٍّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ أَلْرِفُوا أَهْلَكُوكُمْ فِي كُلِّ جُمُوعَةٍ بِشَنِيءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ وَاللَّحْمِ حَتَّى يَفْرُحُوا بِالْجُمُوعَةِ وَكَانَ النَّبِيُّ إِذَا خَرَجَ فِي الصَّيَافِ مِنْ بَيْتِ خَرَجَ يَوْمَ الْحَمِيسِ وَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ فِي الْشَّتَاءِ مِنَ الْبَرِّ دَخَلَ يَوْمَ الْجُمُوعَةِ وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ كَانَ دُخُولُهُ وَخُروُجُهُ يَوْمَ الْجُمُوعَةِ.	*		*		*		

نº	كـد	شـارة	مـذكـور	مـسـند	عـلـى	صـفـيـفـة	مـوـقـعـة	مـسـند	ارـزـيـابـيـ سـنـدـي	اتـصالـ سـنـدـي	مـذـكـور	حـدـيـث
١٥	٨٦-٨٩١		*	*								... قـلـتـ لـأـبـيـ عـبـدـ اللـهـ عـلـمـنـيـ دـعـاءـ أـسـتـرـلـ بـهـ الرـزـقـ فـقـالـ لـىـ حـدـ مـنـ شـارـيـكـ وـ أـطـفـارـ وـ لـيـكـنـ ذـلـكـ فـىـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ. ... عـنـ أـبـيـ عـبـدـ اللـهـ قـالـ: تـقـلـيمـ الـأـطـفـارـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ يـوـمـ مـنـ مـنـ الـجـدـاـمـ وـ الـبـرـصـ وـ الـعـمـىـ وـ إـنـ لـمـ يـحـتـاجـ فـحـكـهـ حـكـاـوـ قـالـ أـبـوـ عـبـدـ اللـهـ مـنـ قـلـمـ أـطـفـارـ وـ قـصـ شـارـيـهـ فـىـ كـلـ جـمـعـةـ ثـمـ قـالـ يـسـمـ اللـهـ وـ بـالـلـهـ وـ عـلـىـ سـنـةـ مـحـمـدـ وـ آـلـ مـحـمـدـ أـعـطـيـ بـكـلـ قـلـامـ وـ جـزـأـةـ عـنـقـ رـقـبـهـ مـنـ وـلـدـ إـسـمـاعـيلـ.
١٦	٨٧-٨٩٢		*	*								... عـنـ أـبـيـ عـبـدـ اللـهـ عـنـ أـبـيـهـ قـالـ قـالـ رـسـوـلـ اللـهـ مـنـ قـلـمـ أـطـفـارـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ أـخـرـ اللـهـ مـنـ أـتـاـمـيـهـ الدـاءـ وـ أـدـخـلـ فـيـهـ الدـوـاءـ وـ رـوـيـ أـنـ لـاـ يـصـبـيـهـ جـنـونـ
١٧	٨٨-٨٩٣		*	*								... عـنـ الـجـعـفـرـيـ قـالـ سـمـعـتـ أـبـاـ الـحـسـنـ يـقـولـ قـلـمـوا أـطـفـارـكـمـ يـوـمـ الـثـلـاثـاءـ وـ اسـتـحـمـمـوـا يـوـمـ الـأـربعـاءـ وـ أـصـبـيـوـاـ مـنـ الـحـجـاجـ حـاجـتـكـمـ يـوـمـ الـخـمـيسـ وـ تـعـيـيـوـاـ بـأـطـيـبـ طـبـيـكـمـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ. ... عـنـ أـبـيـ الـحـسـنـ الرـضـاـ قـالـ: لـاـ يـنـبـغـيـ لـلـرـجـلـ أـنـ يـدـعـ الـطـيـبـ فـىـ كـلـ يـوـمـ فـانـ لـمـ يـقـدـرـ عـلـيـهـ فـيـمـ وـ يـوـمـ لـاـ فـانـ لـمـ يـقـدـرـ فـقـىـ كـلـ جـمـعـةـ وـ لـاـ يـدـعـ ذـلـكـ.
١٨	٨٩-٨٩٤		*		*							... عـنـ الـجـعـفـرـيـ قـالـ سـمـعـتـ أـبـاـ الـحـسـنـ يـقـولـ قـلـمـوا أـطـفـارـكـمـ يـوـمـ الـثـلـاثـاءـ وـ اسـتـحـمـمـوـا يـوـمـ الـأـربعـاءـ وـ أـصـبـيـوـاـ مـنـ الـحـجـاجـ حـاجـتـكـمـ يـوـمـ الـخـمـيسـ وـ تـعـيـيـوـاـ بـأـطـيـبـ طـبـيـكـمـ يـوـمـ الـجـمـعـةـ.
١٩	٩٠-٨٩٥		*		*							... عـنـ أـبـيـ الـحـسـنـ الرـضـاـ قـالـ: لـاـ يـنـبـغـيـ لـلـرـجـلـ أـنـ يـدـعـ الـطـيـبـ فـىـ كـلـ يـوـمـ فـانـ لـمـ يـقـدـرـ عـلـيـهـ فـيـمـ وـ يـوـمـ لـاـ فـانـ لـمـ يـقـدـرـ فـقـىـ كـلـ جـمـعـةـ وـ لـاـ يـدـعـ ذـلـكـ.
٢٠	٩١-٨٩٦		*	*								... قـالـ سـمـعـتـ أـبـاـ عـبـدـ اللـهـ يـقـولـ لـلـهـ حـقـ عـلـىـ كـلـ مـحـتـلـ فـىـ كـلـ جـمـعـةـ أـخـذـ شـارـيـهـ وـ أـطـفـارـ وـ مـسـ شـيـنـاـ مـنـ الـطـيـبـ.
٢١	١٠٠-٩٠٥		*	*								... عـنـ جـعـفـرـ بـنـ مـحـمـدـ عـنـ أـبـيـهـ قـالـ قـالـ رـسـوـلـ اللـهـ مـنـ قـلـمـ أـطـفـارـ يـوـمـ السـبـتـ وـ يـوـمـ الـخـمـيسـ وـ أـخـذـ مـنـ شـارـيـهـ عـوـفـيـ مـنـ وـجـعـ الـأـسـرـاسـ وـ وـجـعـ الـغـيـنـ.

رقم	كد شماره	كد	ارزیابی سندی	اتصال سند	مُوقَع	مُوقِّع	مُوقَع	مُوقِّع	مُوقَع	مُوقِّع	حَدِيث
٢٢	١٠١-٩٠٦		*			*					... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: السَّبِّطُ لَنَا وَالْأَحَدُ لِشِيعَتَنَا وَالْإِثْنَيْنِ لِأَعْدَائِنَا وَالثَّلَاثَةِ لِتَبَّى أُمَّةً وَالْأَرْبَاعَةِ يَوْمُ شُرُبِ الدَّوَاءِ وَالْخَمِيسِ تُقْضَى فِيهِ الْحَوَاجِحُ وَالْجُمُعَةُ لِلْكَلْظُفِ وَالْتَّطَيِّبِ وَهُوَ عَبْدُ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ أَصْنَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأَصْحَى وَيَوْمُ الْعَدِيرِ أَصْنَلُ الْأَعْيَادِ وَهُوَ ثَامِنُ عَشَرِ مِنْ دِيَ الْحِجَّةِ وَكَانَ يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَيَخْرُجُ قَانِيْمًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَيَقُومُ الْقِيَامَةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَمَا مِنْ عَمَلٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَصْنَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. معنى الحديث الذي روی عن النبي ﷺ قال لا تعادوا الأيام فعادبكم.
٢٣	٨-٩٤٥		*	*							... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ يَبْعَدُنَا نَحْنُ عِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِذْ وَرَدَ عَلَيْهِ وَفَدٌ عَبْدِ الْقَيْسِ فَسَلَّمُوا لَهُمْ وَضَعُفُوا بَيْنَ يَدَيْهِ جَلَّهُ تَعَالَى فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْدَقَةً أَمْ هَدِيَّةً قَالُوا بَلْ هِيَ هَدِيَّةٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَيُّ تَمَرِاتُكُمْ هَذِهِ قَالُوا الْبَرْبُنِي فَقَالَ فِي تَمَرِاتِكُمْ هَذِهِ تِسْعَ خَصَالٍ إِنَّ هَذَا جَبَرِيلٌ يُعِينُنِي أَنَّ فِيهِ تِسْعَ خَصَالٍ يُطَيِّبُ النَّكَهَةَ وَيُطَيِّبُ الْمَعْدَةَ وَيَهْضِمُ الطَّعَامَ وَيَزِيدُ فِي السَّمْعِ وَالْبَصَرِ وَيَقُوِّي الظَّهَرَ وَيُحَلِّ الشَّيْطَانَ وَيُقَرِّبُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَيُبَعِّدُ مِنَ الشَّيْطَانِ.
٢٤	١٠-٩٤٧		*	*							... عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلَيٍّ قَالَ لِمَا افْتَحَ رَسُولُ اللَّهِ حَيْبَرَ دَعَا بِقُوشِهِ فَاتَّكَأَ عَلَى سِينِهَا ثُمَّ حَمَدَ اللَّهَ وَأَشْتَى عَلَيْهِ وَذَكَرَ مَا فَتَحَ اللَّهُ لَهُ وَنَصَرَهُ بِهِ وَنَهَى عَنْ خَصَالٍ تِسْعَةَ عَنْ مَهْرِ الْبَنِيِّ وَعَنْ كَسْبِ الدَّاهِيَّ يَعْنِي عَسْبِ الْفَحْلِ وَعَنْ خَاتَمِ الذَّهَبِ وَعَنْ ثَمَنِ الْكَلْبِ وَعَنْ مَيَاثِيرِ الْأَرْجُونِ قَالَ أَبُو عَرْوَةَ بْنُ مَيَاثِيرِ الْحُمْرِ وَعَنْ لَبَوْسِ ثَيَابِ الْقَسِّيِّ وَهِيَ ثَيَابٌ تُسْتَسْجِبُ بِالشَّامِ وَعَنْ أَكْلِ لُحُومِ السَّبَاعِ وَعَنْ صَرِيفِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ بِالْفِضَّةِ بَيْنَهُمَا فَصُلْ وَعَنِ النَّظَرِ فِي التُّجُورِ.

الحديث	اتصال سند	ارزيايى سندى	كد	ترتيب
	مون	مسند	مون	مون
... عن أبي الحسن الأكول قال: تسبعة يورشن السسيان أكلوا التناح يعني الخامص والكزبرة والجبن وأكل سور الفار وابتول في الماء الواقع وقراءة كتابة القبور والمسن بيين أمراتين وطرح القملة والحجامة في القرفة.	*	*		٢٢-٩٥٩ ٢٥
... عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي بن أبي طالب عن النبي الله قال في وصيته له يا علي تسبعة أشياء يورشن السسيان أكل التناح الخامص وأكل الكزبرة والجبن وسور الفار وقراءة كتابة القبور والمسن بيين أمراتين وطرح القملة والحجامة في القرفة والبول في الماء الرائد.	*	*		٢٣-٩٦٠ ٢٦
... عن أبي عبد الله قال: لا يؤكل من الشاة عشرة أشياء الفرث والدم والطحال والنخاع والغدد والقضيب والأنثيين والرحم والحياء « والأوداج أو قال الغروف. ... يرقعه إلى أبي عبد الله قال: عشرة أشياء من الميتة ذكية العظم والشعر والصوف والريش والقزن والحا فهو أذم ويزيد في الباه ويعسل المثانة ويدر البول.	*	*	*	١٨-٩٨١ ٢٧
... عن علي بن مهريبار بإسناده يرقعه قال: يأتي على الناس زمان تكون العافية فيه عشرة أجزاء تسبعة منها في اعتزال النساء وواحدة في الصنم.	*		*	١٩-٩٨٢ ٢٨
... عن أبي عبد الله قال: كانوا يطيخ فـإن فيه عشر حصال مجتمعة هو شحمة الأرض لـداء فيه ولا غاللة وهو طعام وهو شراب وهو فاكهة وهو زبـحان وهو أشنان وهو أدم ويزيد في الباه ويعسل المثانة ويدر البول.	*		*	٣٥-٩٩٨ ٣٠
... عن أبي عبد الله مثله. وفي حديث آخر ويندب الحصى في المثانة و كان رسـول الله يأكل الطـيخ بالرطب. وفي خبر آخر كان يأكل الخربـة بالشـكر. وقال الصـادق أكل الطـيخ على الرـيق يورث الفـالجـة وأكل التـمر الـبرـي على الرـيق يورث الفـالجـة.	*	*		٣٦-٩٩٩ ٣١

الحديث	اتصال سند	ارزیابی سندی	کد	تفہیم	
متن	مسند	عمل	مسند	شمارہ	
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: النَّسْوَةُ فِي عَشْرَةِ أَشْيَاءِ الْمَسْنُوِّ وَ الرُّكُوبُ وَ الْإِرْتِمَاسُ فِي الْمَاءِ وَ التَّنَزُّلُ إِلَى الْحُضْرَةِ وَ الْأَكْلُ وَ الشُّرْبُ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ الْجِمَاعُ وَ السُّوَاكُ وَ مُحَاذَةُ الرِّجَالِ.		*	*	۳۷-۱۰۰۰	۳۲
... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَعْدٍ قَالَ النَّسْوَةُ فِي عَشْرَ أَشْيَاءِ الْمَسْنُوِّ وَ الرُّكُوبِ وَ الْإِرْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَ التَّنَزُّلِ إِلَى الْحُضْرَةِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ الْجِمَاعِ وَ السُّوَاكِ وَ غَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ وَ النَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَاذَةِ الرِّجَالِ		*	*	۳۸-۱۰۰۱	۳۳
... عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَعَنِ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْخَمْرِ عَشْرَةً: غَارِسَهَا وَ حَارِسَهَا وَ عَاصِرَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَةُ إِلَيْهِ وَ بَاعِهَا وَ مُشْتَرِهَا وَ آكِلُ ثَنَهَا. ... رَقْعَهُ إِلَى النَّبِيِّ قَالَ: السُّوَاكُ فِيهِ عَشْرُ خَصَالٍ مَظْهَرٌ لِلْقَمِ مَرْضَاهُ لِلرَّبِّ يُضَانِعُ الْحَسَنَاتِ سَعْيَنَ ضَعْفًا وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ يُدَهِّبُ الْحَفَرَ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يُشَدُّ اللَّثَّةَ وَ يُقْطِعُ الْبَلْغَمَ وَ يَدْهَبُ بِغَسَوةِ الْبَصَرِ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ. ... بِرَفْعَهُ إِلَى النَّبِيِّ قَالَ: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشَرَةَ حَصْلَةً مَظْهَرَهُ لِلْقَمِ وَ مَرْضَاهُ لِلرَّبِّ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَدْهَبُ بِالْحَفَرِ وَ يُقْلِلُ الْبَلْغَمَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يُضَانِعُ الْحَسَنَاتِ وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّةُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ يُشَدُّ اللَّثَّةُ وَ هُوَ يُمْرُّ بِطَرِيقَةِ الْقُرْآنِ وَ رَكْعَتَيْنِ [رَكْعَتَانِ] سِوَاكٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِينَ رَجُلًا بِعِيرِ سِوَاكٍ	*	*	۴۱-۱۰۰۴	۳۴	
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشَرَةَ حَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَظْهَرَهُ لِلْقَمِ وَ مَجْلَاهُ لِلْبَصَرِ وَ يُوْضَى الرَّحْمَنُ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَدْهَبُ بِالْحَفَرِ وَ يُشَدُّ اللَّثَّةُ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَدْهَبُ بِالْبَلْغَمَ وَ يَرِيدُ فِي الْجَفْظِ وَ يُضَانِعُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفَرَّجُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.	*	*	*	۵۱-۱۰۱۴	۳۵
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشَرَةَ حَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَظْهَرَهُ لِلْقَمِ وَ مَجْلَاهُ لِلْبَصَرِ وَ يُوْضَى الرَّحْمَنُ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَدْهَبُ بِالْحَفَرِ وَ يُشَدُّ اللَّثَّةُ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَدْهَبُ بِالْبَلْغَمَ وَ يَرِيدُ فِي الْجَفْظِ وَ يُضَانِعُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفَرَّجُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.	*	*	*	۵۲-۱۰۷۷	۳۶
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشَرَةَ حَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَظْهَرَهُ لِلْقَمِ وَ مَجْلَاهُ لِلْبَصَرِ وَ يُوْضَى الرَّحْمَنُ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَدْهَبُ بِالْحَفَرِ وَ يُشَدُّ اللَّثَّةُ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَدْهَبُ بِالْبَلْغَمَ وَ يَرِيدُ فِي الْجَفْظِ وَ يُضَانِعُ بِهِ الْحَسَنَاتُ وَ تَفَرَّجُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.	*	*	*	۵۳-۱۰۷۸	۳۷

نحو	مسند	معنى	صعوب	موجع	مسند	شماره	د	ج	
حديث							اتصال سند	ارزیابی سندی	کد
... عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small> عن رسول الله <small>صلوات الله عليه وآله وسلامه</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّةِ لَهُ يَا عَلِيُّ السَّوَاكَ مِنَ السُّنْنَةِ وَهُوَ مُطْهَرٌ لِلْفَمِ وَيَجْلُو الْبَصَرَ وَيُرْضِي الرَّحْمَنَ وَيُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَيَذْهَبُ بِالْحَقْرِ وَيَسْدُدُ اللَّثَّةَ وَيُشَهِّي الْطَّعَامَ وَيَذْهَبُ بِالْبَلْعَمِ وَيَرِيدُ فِي الْحِفْظِ وَيُصَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَتَرَحُّبُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ	*		*			٥٤_١٠٧٩		٣٨	
... عن أبي عبد الله <small>عليه السلام</small> عن أبيه عن أبياته عقال قال الحسن بن علي <small>عليه السلام</small> في المائدة أَنَّا عَشَرَةَ حَصْلَةَ يَجِبُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَعْرِفَهَا أَرْبَعَ مِنْهَا فَرْضٌ وَأَرْبَعَ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعَ مِنْهَا تَأْيِيدٌ فَأَمَّا الْفَرْضُ فَالْمَعْرِفَةُ وَالرِّضَا وَالسُّنْنَةُ وَالسُّكُونُ وَأَمَّا السُّنَّةُ فَاللُّوْصُوْءُ قَبْلَ الْطَّعَامِ وَالْجُلوْسُ عَلَى الْجَانِبِ الْأَسْرِ وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصْبَاعٍ وَلَعْقُ الْأَصْبَاعِ وَأَمَّا التَّأْيِيدُ فَالْأَكْلُ مِمَّا يَلِيهِ وَتَصْغِيرُ الْلُّقْمَةِ وَالْمَضْعُنُ الشَّدِيدُ وَقِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ.	*		*			٦٠_١٠٨٥		٣٩	
... عن جعفر بن محمد عن أبيه عن جده عن علي بن أبي طالب <small>عليه السلام</small> عن النبي <small>صلوات الله عليه وآله وسلامه</small> أَنَّهُ قَالَ فِي وَصِيَّةِ لَهُ يَا عَلِيُّ أَنَّا عَشَرَةَ حَصْلَةَ يَتَبَغِي لِلرَّجُلِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَتَعَلَّمَهَا فِي المائدةِ أَرْبَعَ مِنْهَا فَرِيقَةٌ وَأَرْبَعَ مِنْهَا سُنَّةٌ وَأَرْبَعَ مِنْهَا أَدْبَرٌ فَأَمَّا الْفَرِيقَةُ فَالْمَعْرِفَةُ بِمَا يَأْكُلُ وَالسُّنْنَةُ وَالسُّكُونُ وَالرِّضَا وَأَمَّا السُّنَّةُ فَالْجُلوْسُ عَلَى الرَّجُلِ الْيُسْرَى وَالْأَكْلُ بِثَلَاثِ أَصْبَاعٍ وَأَنْ يَأْكُلَ مِمَّا يَلِيهِ وَمَصْ الْأَصْبَاعِ وَأَمَّا الْأَدْبَرُ فَتَصْغِيرُ الْلُّقْمَةِ وَالْمَضْعُنُ الشَّدِيدُ وَقِلَّةُ النَّظَرِ فِي وُجُوهِ النَّاسِ وَعَشْلُ الْيَدَيْنِ.	*		*			٦١_١٠٨٦		٤٠	
... رفع الحديث إلى رسول الله <small>صلوات الله عليه وآله وسلامه</small> أَنَّهُ قَالَ دَرَهْمٌ فِي الْحِصَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَةِ أَلْفِ دَرَهْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَفِيهِ أَرْبَعَ عَشَرَةَ حَصْلَةً يَطْرُدُ الرَّيْحَ مِنَ الْأَذْنَيْنِ وَيَجْلُو الْغِشَاؤَةَ عَنِ الْبَصَرِ وَيَلْمِيْنِ الْخَيَّاشِيمَ وَيُطَبِّبُ الْكَهْمَةَ وَيَسْدُدُ اللَّثَّةَ وَيَذْهَبُ بِالضَّنْبَى وَيُقْلِلُ وَسْوَسَةَ السَّيْطَانِ وَتَرَحُّبُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَيَسْبِيْشُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَعِيْطُ بِهِ الْكَاوِرَ وَهُوَ زِيَّةٌ وَطَيْبٌ وَبَرَاءَةٌ فِي قَبْرِهِ وَيَسْتَحِيْ مِنْهُ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ	*		*			١_١١٠١		٤١	

ردف	کد	شماره	د	مسند	معنی	مسند	ارزیابی سندی	اتصال سند	متن	حده	حکایت
٤٢	٢-١١٠٢			*	*				... عن جعفر بن محمدٍ عن أبيه عن جدّه عن عليٍّ بن أبي طالب ﷺ عن النبي ﷺ قال في وصيته له يا علیٰ ذرهم في الخصاپ افضل من القيٰ ذرهم ينفق في سبيل الله و فيه أربع عشرة حصلة يطرب الربيع من الذئن ويجلو البصر ويائِنُ الْحَيَاشِيمَ وَيُطِيبُ النَّكَهَةَ وَيُشُدُ اللَّهَةَ وَيَذَهِبُ بِالضَّرَّى وَيَنْهِلُ وَمُوسَى الشَّيْطَانَ وَتَرْجُعُ بِهِ الْمَلَائِكَةَ وَيُسْبِّيْرُ بِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَغْفِظُ بِهِ الْكَافِرُ وَهُوَ زِيَّةٌ وَطِيبٌ وَيَسْتَحْسِيْ مِنْهُ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ وَهُوَ بِرَاءَةُ اللهِ فِي قَبْرِهِ.	٣	حديث
٤٣	٣-١١٠٣			*	*				... قال رسول الله ﷺ كَيْفَيْرُوا الشَّيْبَ وَلَا تَسْهَبُوا بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى.	٣	
٤٤	٧-١١١٣			*		*			... عن أبي عبد الله ﷺ قال: السنة في التوراة في كل خمسة عشر يوماً فمن أتث عليه أحدي وعشرون يوماً فليس كذلك [فليس كذلك] على الله عز وجل ول ليس كذلك و من أتث عليه أربعون يوماً ولم يتغير فليس بمؤمن ولا مسلم ولا كرامه.	٣	
٤٥	٣-١١٢٣			*	*				... عن الربيع صاحب المنصور قال: حضر أبو عبد الله جعفر بن محمد الصادق م مجلس المنصور يوماً و عنده رجل من الهند يقرأ كتب الطب فجعل أبو عبد الله الصادق جعفر بن محمد ينصت لقراءته فلما فرغ الهندي قال له يا أبي عبد الله أتريد ماما معنى شيئاً قال لا فإن ما معنى خيراً ماما معنك قال وما هو قال أداوى الحر بالبارد والبارد بالحر والرطب باليسار واليسار بالرطب وأرد الأمر كله إلى الله عز وجل واستعمل ما قاله رسوله ﷺ واعلم ... (ادامه حديث به دليل طولاني بدون ذكر نشهده وپژوهشگران با توجه به شماره حديث میتوانند به نرم افراز «فرهنگ اسناد کتب شیخ صدوق» مراجعه نمایند).	٣	
٤٦	٥-١١٥٢			*		*			... عن جعفر بن محمدٍ عن أبيه عن أبيه عن عليٍّ قال قال رسول الله ﷺ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يُتْرَكُ حَلْقُ عَائِيهِ فَوَقَ الأَرْبَعِينَ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلَيُسْتَرْضَ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ وَلَا يُؤَخِّرْ. الأرض تجسس من بول الألغف أربعين صباها.	٣	

نحو	مسند	عمل	صيغ	مفعول	مسند	شماره	د	ج	
حديث							اتصال سند	ارزیابی سندی	کد
... عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ ... رَسُولُ اللَّهِ خَتَّلُوا أَوْلَادَكُمْ يَقْرَئُونَ السَّابِعَ فَإِنَّهُ أَطْهَرُ وَأَصْيَبُ وَأَسْعَرُ لِبَاتِ اللَّهِمْ فَإِنَّ الْأَرْضَ تَجَسُّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فِيمَنْ اتَّخَذَ جَارِيَةً فَلَمْ يَأْتِهَا فِي كُلِّ أَرْبَعِينِ يَوْمًا ثُمَّ أَتَتْ مُحْرِمًا ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ ... رَسُولُ اللَّهِ مَنْ عُمِرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلَمَ مِنَ الْأَسْوَاعِ الْمُلَائِكَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِرَ سِتِّينَ سَنَةً هَوَنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِرَ سَبْعِينَ سَنَةً كُتِبَتْ حَسَانَتُهُ وَلَمْ يُكْتَبْ سَيِّئَتُهُ وَمَنْ عُمِرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَمَسَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَوَاءِ الْمُلَائِكَةُ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْحَمْسِينَ خَفَقَ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ الْسِتِّينَ رَزَقَهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعِينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الشَّمَائِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَانَتِهِ وَإِلَقاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَصْنَهِ وَفِي حَيَّاتِ آخَرٍ فَإِذَا بَلَغَ الْمَائَةَ كَرِدَلَكَ أَرْدَلَ الْعُمُرِ وَرُوِيَ أَنَّ أَرْدَلَ الْعُمُرِ أَنْ يَكُونَ عَقْلَ أَبْنِ سَعْيَ سِنِينَ ... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ مَا مِنْ مُعَمَّرٍ يُعَمَّرُ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةُ أَنْوَاعٍ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْحَمْسِينَ لَيَنَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابُهُ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعينَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ يَمَا يُحِبُّ وَيَرْضَى فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعينَ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَأَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الشَّمَائِينَ قَبَلَ اللَّهُ حَسَانَتِهِ وَتَجَاوَرَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَسُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ .	*	*	*	*	٦-١١٥٣	٤٧			
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ ... رَسُولُ اللَّهِ مَنْ عُمِرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلَمَ مِنَ الْأَسْوَاعِ الْمُلَائِكَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِرَ سِتِّينَ سَنَةً هَوَنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِرَ سَبْعِينَ سَنَةً كُتِبَتْ حَسَانَتُهُ وَلَمْ يُكْتَبْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عُمِرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَمَسَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَوَاءِ الْمُلَائِكَةُ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْحَمْسِينَ خَفَقَ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ الْسِتِّينَ رَزَقَهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الشَّمَائِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَانَتِهِ وَإِلَقاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ .	*	*	*	٢١-١١٦٨	٤٨				
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ ... رَسُولُ اللَّهِ مَنْ عُمِرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلَمَ مِنَ الْأَسْوَاعِ الْمُلَائِكَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِرَ سِتِّينَ سَنَةً هَوَنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِرَ سَبْعِينَ سَنَةً كُتِبَتْ حَسَانَتُهُ وَلَمْ يُكْتَبْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عُمِرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَمَسَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَوَاءِ الْمُلَائِكَةُ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْحَمْسِينَ خَفَقَ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ الْسِتِّينَ رَزَقَهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الشَّمَائِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَانَتِهِ وَإِلَقاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ .	*	*	*	٢٥-١١٧٢	٤٩				
... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ قَالَ ... رَسُولُ اللَّهِ مَنْ عُمِرَ أَرْبَعِينَ سَنَةً سَلَمَ مِنَ الْأَسْوَاعِ الْمُلَائِكَةِ مِنَ الْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْبَرَصِ وَمَنْ عُمِرَ خَمْسِينَ سَنَةً رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ وَمَنْ عُمِرَ سِتِّينَ سَنَةً هَوَنَ اللَّهُ حِسَابَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْ عُمِرَ سَبْعِينَ سَنَةً كُتِبَتْ حَسَانَتُهُ وَلَمْ يُكْتَبْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عُمِرَ ثَمَانِينَ سَنَةً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَمَسَى عَلَى الْأَرْضِ مَغْفُورًا لَهُ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ ... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْمَرْءُ أَرْبَعِينَ سَنَةً آمَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْأَوَاءِ الْمُلَائِكَةُ الْجُنُونُ وَالْجُدَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْحَمْسِينَ خَفَقَ اللَّهُ حِسَابَهُ فَإِذَا بَلَغَ الْسِتِّينَ رَزَقَهُ الْإِنْتَابَةَ إِلَيْهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّبْعينَ أَحَبَّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الشَّمَائِينَ أَمَرَ اللَّهُ بِإِثْبَاتِ حَسَانَتِهِ وَإِلَقاءِ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنِّهِ وَمَا تَأَخَّرَ كُتِبَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُفِعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ .	*	*	*	٢٧-١١٧٤	٥٠				

حروف	شماره	د	کد	ارزیابی سندی	اتصال سند	مُعْنَى	مُسند	مُبَرَّأ	حديث
٥١	٢٨-١١٧٥	*	*						... قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا مِنْ عَبْدٍ يُعْمَرُ فِي الإِسْلَامِ أَرْبَعِينَ سَنَةً إِلَّا صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثَةَ أَنْوَاعَ مِنَ الْبَلَاءِ الْجُنُونَ وَالْجُذَامُ وَالْبَرَصُ فَإِذَا بَلَغَ الْخَمْسِينَ لَبَّى اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِسَابَ فَإِذَا بَلَغَ السَّيْنَ رَزَقَهُ اللَّهُ الْإِيمَانُ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَإِذَا بَلَغَ السَّعْيَنَ أَجَبَهُ اللَّهُ وَأَجَبَهُ أَهْلُ السَّمَاءِ فَإِذَا بَلَغَ الثَّمَانِيَنَ قَبِيلَ اللَّهُ حَسَنَاتِهِ وَتَجَاوَرَ عَنْ سَيِّئَاتِهِ فَإِذَا بَلَغَ التَّسْعِينَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَسُمِّيَ أَسِيرَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَشُفِّعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ.
٥٢	٤-١٢٠٤	*	*						... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: لَمَّا أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ أَهْبَطَ مَعَهُ عُشْرِينَ وَمِائَةً قَضَبَ مِنْهَا أَرْبَعِينَ مَا يُؤْكِلُ دَاخِلُهَا وَخَارِجُهَا وَأَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكِلُ دَاخِلُهَا وَيُرْمَى بِخَارِجِهَا وَأَرْبَعُونَ مِنْهَا مَا يُؤْكِلُ خَارِجُهَا وَيُرْمَى بِدَاخِلِهَا وَغَرَاءَةً فِيهَا بَرْ كُلُّ شَيْءٍ.
٥٣	١٠-١٢١٠	*	*						... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاجْدَ أَرْبَعَمِائَةَ بَابٍ مِمَّا يُصْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَدُنْيَاهُ قَالَ إِنَّ الْجَمَاهِرَةَ تُصْحِحُ الْبَدْنَ وَتُشَدُّ الْعُقْلَ وَالْطَّيْبَ فِي الشَّارِبِ مِنْ أَحْلَاقِ النَّبِيِّ وَكَرَامَةِ الْكَاتِبِينَ وَالسَّوَاكِ مِنْ مَرَضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَسُنَّةِ النَّبِيِّ وَمَطْبِيَّةِ لِلْفَقِيمِ وَالدُّهُنِ يُؤْسِنُ الْبَشَرَةَ وَيَرْبِدُ فِي الدَّمَاغِ وَيُسَهِّلُ مَجَارِيِ الْمَاءِ وَيَدْهُبُ بِالْقَشْفِ وَيُسْفِرُ الْلَّوْنَ وَغَسْلَ الرَّأْسِ يَدْهُبُ بِالْدَّرْنِ وَيَنْفِي الْقَذَى وَالْمَضْمَضَةَ وَالْإِسْتِشَاقَ سُنَّةً وَطَهُورُ لِلْفَقِيمِ وَالْأَنْفِ وَالسَّعْوَطَ مَصَحَّةً لِلرَّأْسِ وَتَقِيَّةً لِلْبَدْنِ وَسَائِرِ أَوْجَاعِ الرَّأْسِ وَالثُّوَرَةِ نُسْرَةً وَطَهُورُ لِلْجَسَدِ اسْتِجَادَهُ الْجَدَاءُ وَقَائِمَةُ لِلْبَدْنِ وَعَوْنَ عَلَى الطَّهُورِ... (ادامه حديث به دليل طولاني بودن متن ذكر شده و پژوهشگران با توجه به شماره حديث می توانند به نرم افزار «فرهنگ استناد کتب شیخ صدق» مراجعه نمایند).

۱۰- اعتبارسنجی رجالی احادیث پژوهشی جلد دوم «خصال» شیخ صدوق

یکی از مسائل مهم در حوزه نقد روایات، بحث «جرح و تعديل روایان» است. این مهم بر عهده عالمنان رجال است. رجالیان برای نشان دادن عدالت یا وثاقت روایان، از الفاظی خاص استفاده می‌کنند که به آنها الفاظ «تعديل» و «توثيق» می‌گویند. چنان که برای نشان دادن ضعف اعتقادی یا اخلاقی روایان، از الفاظی خاص بهره می‌گیرند که به آنها الفاظ «جرح» گفته می‌شود. برخی از این الفاظ، ناظر به شخصیت راوی است و به صراحت، عدالت او را نفی می‌کنند و فسق و دروغ را به او نسبت می‌دهد. برخی از الفاظ جرح، ناظر به حوزه عقیده راوی است و برخورداری او از عقیده صحیح، یعنی امامیه اثنا عشری بودن را نفی می‌کند، نظیر: غال، ناصب، فاسد العقیده. برخی دیگر از الفاظ جرح، بی‌آن که مستقیماً به اخلاق یا عقیده راوی مربوط باشد، به شخصیت حدیثی او پرداخته و راوی را فاقد صلاحیت لازم برای نقل حدیث معرفی می‌کند. نظیر «ضعف» که نزد قدما به اشخاص اطلاق می‌شد.

برخی از الفاظ «تعديل» عبارت‌اند از: عدل، امامی، ضابطه، ثقة و ثقة فی الحديث، حجت، عین و وجه. دیدگاه مشهور دانشمندان شیعه و اهل سنت آن است که «تعديل» به صورت مجمل و کلی، پذیرفتی استه و لی «جرح» جز با تبیین و تفسیر، قابل قبول نخواهد بود (ر. ک: معارف، ۱۳۸۷: ۳۴۴ - ۳۵۹).

راویانی که در نقل احادیث پژوهشی جلد دوم خصال نقش دارند، طبق پژوهش به عمل آمده در سلسله سند این روایات، ۳۲۷ نفرند که با حذف ۲۳۸ «راوی تکراری» به گروه‌های راویان «موثق»، «ضعیف» و «مجھول الحال و توصیف نشده» تقسیم می‌شود.

۱۰- راویان موثق:

کل راویان موثق موجود در سلسله روایات طبی در جلد دوم کتاب خصال، ۲۱۸ نفرند که با حذف راویان تکراری (۱۸۴ راوی)، ۴ راوی خواهند بود. این راویان از نظر رجال‌شناسان توثیق شده و شخصیت آنان با توصیفاتی همچون: «امامی ثقه جلیل» و «امامی ثقه علی التحقیق»، «امامی ثقه الجلیل» و «من اصحاب الاجماع لا يروى ولا يرسلا إلا عن ثقه» و مانند این‌ها مورد تایید است (همان‌جا).

اسامی این ۳۴ «راوی موثق» در سلسله سنندی راویان احادیث پزشکی جلد دوم خصال، به همراه توصیفاتشان به شرح جداول ذیل تقدیم می‌گردد:

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری ثقه به همراه توصیفاتشان در زنجیره

سنندی روایات جلد دوم خصال شیخ صدوق

راویان غیر تکراری ثقه	راویان تکراری ثقه	کل راویان ثقه	کل راویان تکراری	کل راویان	تعداد کل حدیث
۳۴	۱۸۴	۲۱۸	۲۲۸	۳۲۷	۵۳

ثقه غیر تکراری	ثقه تکراری	کل	کل تکراری	کل راویان	کل حدیث
عَنْ عَلِيٍّ بْنِ (اسماعيل) السُّنْدِيِّ ابْنِ عَيْسَى الْأَشْعَرِيِّ: امامی ثقه على التحقيق - يونس بن يعقوب: امامی ثقه جليل وقال بالفطحية ورجع ولم يك واقفياً فقط	۴	۶	۵	۶	۶۳-۸۶۸
عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ إِسْمَاعِيلَ (بزيع): امامی ثقه جليل - عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْمَمَ: (اسدی): امامی ثقه جليل - أَوْ أَحَدِهِمَا: واقفی ثقه (احمد بن الحسن بن اسماعيل المیثمی	۵	۸	۵	۹	۶۴-۸۶۹
-	۵	۵	۶	۶	۶۵-۸۷۰
عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخُدْرِيِّ: من السابقين الذين ارجعوا الى اميرالمؤمنین	۳	۴	۳	۷	۶۸-۸۷۳
-	۳	۳	۴	۴	۷۰-۸۷۵
-	۳	۳	۳	۴	۷۱-۸۷۶
-	۳	۳	۵	۵	۷۲-۸۷۷
عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَتْصُورٍ: امامی ثقه	۵	۶	۵	۶	۷۵-۸۸۰
-	۷	۷	۷	۷	۷۶-۸۸۱
-	۷	۷	۷	۷	۷۷-۸۸۲
عَنْ مَرْوَانَ بْنِ عُيَيْدٍ (بن سالم): امامی ثقه	۴	۵	۴	۶	۷۹-۸۸۴
-	۳	۳	۳	۹	۸۲-۸۸۷
					۱۲

ثقه غير تكراري	نکاری	لکه	راویان نکاری	کراوی	کل	تعداد	ردیف
عَنْ زَكَرِيَاً (بن محمد)المُؤْمِنِ: قبیل بوقه و كان مختلط الامر فى حیته	٣	٤	٣	٥	٨٣ - ٨٨٨	١٣	
-	١	١	١	١	٨٥ - ٨٩٠	١٤	
عَنْ صَالِحٍ بْنِ عُقْبَةَ (على بن عقبة بن خالد): امامی ثقه جلیل	٣	٤	٣	٥	٨٦ - ٨٩١	١٥	
عَنْ هِشَامٍ بْنِ سَالِمٍ: امامی ثقه جلیل	٤	٥	٤	٦	٨٧ - ٨٩٢	١٦	
-	٥	٥	٧	٧	٨٨ - ٨٩٣	١٧	
عَنْ بَكْرٍ بْنِ صَالِحٍ (الرازى): امامی ثقه على التحقيق وربما ضعف عَنِ الْجَعْفَرِ (سلیمان بن جعفر بن ابراهیم الجعفری): إمامی ثقه	٥	٧	٥	٧	٨٩ - ٨٩٤	١٨	
عَنْ مُعاوِيَةَ بْنِ حُكَّمٍ (معاویه بن عمار): فطحی عند الكشی ثقه جلیل عَنْ مُعَمِّرٍ بْنِ خَلَلٍ: امامی ثقه	٣	٥	٣	٥	٩٠ - ٨٩٥	١٩	
-	٤	٤	٤	٧	٩١ - ٨٩٦	٢٠	
-	٥	٥	٧	٧	١٠٠ - ٩٠٥	٢١	
عَنْ غَيْرِ وَاجِدٍ: معتبر	٤	٥	٤	٥	١٠١ - ٩٠٦	٢٢	
حَدَّثَنَا عَلَيُّ بْنُ الرَّيَّاَتِ (علي بن الريان بن الصلت): امامی ثقه	٣	٤	٥	٦	٨ - ٩٤٥	٢٣	
-	-	-	-	٥	١٠ - ٩٤٧	٢٤	
عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ (الاسدی): امامی على تحقیق واقفى في ظلم ثقه	٤	٥	٥	٦	٢٢ - ٩٥٩	٢٥	
-	-	-	٧	٧	٢٣ - ٩٦٠	٢٦	
-	٥	٥	٦	٦	١٨ - ٩٨١	٢٧	
احمد بن عبدالله بن احمد برقی: امامی ثقه على التحقيق	٣	٤	٣	٥	١٩ - ٩٨٢	٢٨	
-	٤	٤	٤	٤	٢٤ - ٩٨٧	٢٩	
-	٥	٥	٦	٦	٣٥ - ٩٩٨	٣٠	
وَحَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنِ جَعْفَرٍ الْهَمَدَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: امامی ثقه							
عَنْ عَمْرُو بْنِ عُثْمَانَ: امامی ثقه	٢	٥	٢	٦	٣٦ - ٩٩٩	٣١	
عَنْ عَلَيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ (البطانی): من روؤس الظاهرا أخذ المشايخ عنه قبل وقفه وهو امامی ثقه							
-	٤	٤	٤	٦	٣٧ - ١٠٠٠	٣٢	
-	٢	٢	٤	٤	٣٨ - ١٠٠١	٣٣	

ثقه غير تكراري	ثائقه	كل ثقاه	روايات تكراري	كتابه	كتابه	كتابه	كتابه
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْفَضْلِ الْخَرَازِ: امامى ثقه عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ: امامى ثقه جليل وربما ضعف	٤ - - -	٦ ٦ ٦ -	٤ ٧ ٧ ٧	٧ ٧ ٧ ٧	٤١_١٠٠٤ ٥١_١٠١٤ ٥٢_١٠٧٧ ٥٣_١٠٧٨	٣٤ ٣٥ ٣٦ ٣٧	٣٤
عَنْ إِبْرَاهِيمِ الْكَرْخِيِّ: امامى ثقه على التحقيق	٣	٤	٣	٥	٦٠_١٠٨٥	٣٩	
ابراهيم بن اسحاق النهاوندي (الاحمرى): رمى بالضعف فى الحادي وارتقاع فى المذهب والتحقيق إنه امى ثقه	- ٣ -	- ٤ ٧	٧ ٣ ٨	٧ ٧ ٧	٦١_١٠٨٦ ١_١١٠١ ٢_١١٠٢	٤٠ ٤١ ٤٢	
عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ: امامى ثقه جليل وكان له مذهب فى الجبر والتشبيه عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ: لم يتضح مذهبه قيل عامى بترى ثقه على التحقيق	٢ ٢ -	٢ ٤ ٥	٥ ٢ ٥	٦ ٤ ٥	٧_١١١٣ ٣_١١٢٣ ٦_١١٥٣	٤٤ ٤٥ ٤٦	
عَنْ يَحْيَىِ بْنِ الْمُبَاذِكِ: امامى ثقه على التحقيق عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَّالَةَ(الكتانى): وافقى ثقه عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارِ(الصيرفى): امامى ثقه جليل على التحقيق وليس اسحاق بن عمار بمتعدد ولا فطحي	٣	٦	٣	٧	٢١_١١٦٨	٤٨	
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي تَجْرَانَ: امامى ثقه عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ(بن الفضيل سيار): امامى ثقه	٤	٦	٤	٧	٢٥_١١٧٢	٤٩	
عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمَ (العدوى): عامى ثقه عندهم ولم يثبت وثاقته عندنا وفيه نظر	-	١	١	٨	٢٧_١١٧٤	٥٠	
-	-	-	١	٧	٢٨_١١٧٥	٥١	
-	٦	٦	٧	٧	٤_١٢٠٤	٥٢	
-	٧	٧	٧	٧	١٠_١٢١٠	٥٣	

۲ - روایان ضعیف

این گروه، روایانی هستند که با الفاظی نظیر «امامی لم یثبت و ثاقته» و «ضعیف جداً رمی بالغلو» و «امامی مضطرب الحديث» و مانند آن تضعیف شده‌اند. کل روایان ضعیف موجود در سلسله روات احادیث طبی جلد دوم خصال، شانزده نفرند که با حذف روات تکراری (= ده روایی)، شش نفر خواهند بود. اسامی این شش «راوی ضعیف» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می‌گردد:

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری ضعیف» به همراه توصیفاتشان در زنجیره

سندی روایات پزشکی جلد دوم خصال صدوق

تعداد کل حدیث	کل روایان	کل روایان تکراری	کل روایان ضعیف	راویان غیر تکراری ضعیف
۵۳	۳۲۷	۲۲۸	۱۶	۱۰

نحوه	کل روایان	کل روایان تکراری	کل روایان ضعیف	راویان غیر تکراری ضعیف
۶۳-۸۶۸	۶	۵	-	-
۶۴-۸۶۹	۹	۵	-	-
۶۵-۸۷۰	۶	۶	-	-
۶۸-۸۷۳	۷	۳	۱	-
۷۰-۸۷۵	۴	۴	-	-
۷۱-۸۷۶	۴	۳	-	-
۷۲-۸۷۷	۵	۵	۱	-
۷۵-۸۸۰	۶	۵	-	-
۷۶-۸۸۱	۷	۷	-	-

عن أبي الحَزْرَجِ (الحسن بن الزبرقان أبوالحزرج): امامی لم یثبت و ثاقته

الرقم	الكتاب	الرواية	كتاب التكاري	رواية ضعيف	كتاب التكاري ضعيف	غير تكراري ضعيف
١٠	٧٧-٨٨٢	٧	-	-	-	-
١١	٧٩-٨٨٤	٦	٤	-	-	-
١٢	٨٢-٨٨٧	٩	٣	١	-	حدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ: ضَعْفَهُ الْقَمِيُونُ رَمِيًّا بِالْغَلُو
١٣	٨٣-٨٨٨	٥	٣	-	-	-
١٤	٨٥-٨٩٠	١	١	-	-	-
١٥	٨٦-٨٩١	٥	٣	-	-	-
١٦	٨٧-٨٩٢	٦	٤	-	-	-
١٧	٨٨-٨٩٣	٧	٧	١	١	-
١٨	٨٩-٨٩٤	٧	٥	-	-	-
١٩	٩٠-٨٩٥	٥	٣	-	-	-
٢٠	٩١-٨٩٦	٧	٤	-	-	-
٢١	١٠٠-٩٠٠	٧	٧	١	١	-
٢٢	١٠١-٩٠٦	٥	٤	-	-	-
٢٣	٨٩٤٥	٦	٥	١	١	-
٢٤	١٠-٩٤٧	٥	-	-	-	-
٢٥	٢٢-٩٥٩	٦	٥	١	١	-
٢٦	٢٣-٩٦٠	٧	٧	-	-	-
٢٧	١٨-٩٨١	٦	٦	-	-	-
٢٨	١٩-٩٨٢	٥	٣	-	-	-
٢٩	٢٤-٩٨٧	٤	٤	-	-	-
٣٠	٣٥-٩٩٨	٦	٦	-	-	-
٣١	٣٦-٩٩٩	٦	٢	-	-	-
٣٢	٣٧-١٠٠٠	٦	٤	-	-	-
٣٣	٣٨-١٠٠١	٤	٤	-	-	-
٣٤	٤١-١٠٠٤	٧	٤	١	-	عَنْ عَمِّرٍ وْ بْنِ شِمْرٍ (الجعفي): امامي ضعيف جدا عند النجاشي
٣٥	٥١-١٠١٤	٧	٧	١	١	-
٣٦	٥٢-١٠٧٧	٧	٧	١	١	-
٣٧	٥٣-١٠٧٨	٨	٨	١	١	-

نمره	تاریخ	کتاب	رواوی	رواوی ضعیف	رواوی تکراری	رواوی ضعیف	رواوی تکراری ضعیف	غیر تکراری ضعیف
٣٨	٥٤-١٠٧٩	٢	٧	٧	-	-	-	-
٣٩	٦٠-١٠٨٥	٣	٥	١	-	-	-	عنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ الْكُوفِيِّ (محمد بن أبو سميته): ضعيف جدا رمى بالغلو
٤٠	٦١-١٠٨٦	٧	٧	-	-	-	-	-
٤١	١-١١٠١	٣	٨	-	-	-	-	-
٤٢	٢-١١٠٢	٧	٧	-	-	-	-	-
٤٣	٣-١١٠٣	-	٨	١	-	-	-	الرَّبِيعِ بْنِ الْعَوَامِ: خرج على أمير المؤمنين <small>عليه السلام</small> وقتله في واقعة الجمل
٤٤	٧-١١١٣	٦	٦	-	-	-	-	-
٤٥	٣-١١٢٣	٥	٦	-	-	-	-	-
٤٦	٥-١١٥٢	٤	٤	-	-	-	-	-
٤٧	٦-١١٥٣	٥	٥	-	-	-	-	-
٤٨	٢١-١١٦٨	٧	٢	١	-	-	-	عنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلَىٰ الْمُقْرِبِ (محمد بن أبو سميته): ضعيف جدا رمى بالغلو
٤٩	٢٥-١١٧٢	٧	٤	-	-	-	-	-
٥٠	٢٧-١١٧٤	٨	١	١	-	-	-	-
٥١	٢٨-١١٧٥	٧	١	١	-	-	-	-
٥٢	٤-١٢٠٤	٧	٧	-	-	-	-	-
٥٣	١٠-١٢١٠	٧	٧	-	-	-	-	-

٣ - راویان مجھول الحال و توصیف نشده:

مجموع راویان مجھول الحال و توصیف نشده، در سلسله راویان جلد دوم خصال، با عنایت به تکرار در سلسله احادیث ٩٣ نفرند که با حذف روات تکراری (= ٤٤ راوی) ٤٩ نفر خواهند بود. اسمای این ٤٩ «راوی مجھول الحال و توصیف نشده» به همراه توصیفاتشان به شرح جدول ذیل تقدیم می‌گردد.

جدول آماری تعداد کل «راویان تکراری و غیر تکراری مجهول الحال و توصیف نشده» به همراه

توصیفاتشان در زنجیره سندي روایات پژوهشی جلد دوم خصاً صدوق

راویان غیر تکراری مجهول الحال و توصیف نشده ۴۹	راویان تکراری مجهول الحال و توصیف نشده ۴۴	کل راویان مجهول الحال و توصیف نشده ۹۳	کل راویان تکراری ۲۳۸	کل راویان ۳۲۷	تعداد کل حدیث ۵۳
--	--	--	-------------------------	------------------	---------------------

غیر تکراری مجهول الحال	تکراری مجهول الحال	راوی مجهول الحال	آحاد تکراری	کل راوی	کل حدیث	نمره
-	-	-	۵	۶	۶۳-۸۶۸	۱
-	۱	۱	۵	۹	۶۴-۸۶۹	۲
-	-۱	۱	۶	۶	۶۵-۸۷۰	۳
عَنْ سُلَيْمَانَ (سليمان بن طرخان القيمي): () أَيْ نَصْرَةٌ الْمَنْذُرِينَ مالك ابوانصره العبدی: ()	-	۲	۳	۷	۶۸-۸۷۳	۴
-	۱	۱	۴	۴	۷۰-۸۷۵	۵
عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَمْرِو بْنِ أَسْلَمَ: ()	-	۱	۳	۴	۷۱-۸۷۶	۶
-	۱	۱	۵	۵	۷۲-۸۷۷	۷
-	-	-	۵	۶	۷۵-۸۸۰	۸
-	-	-	۷	۷	۷۶-۸۸۱	۹
-	-	-	۷	۷	۷۷-۸۸۲	۱۰
عَنْ مُعَتَّبِ بْنِ الْمُتَّارِكِ: ()	-	۱	۴	۶	۷۹-۸۸۴	۱۱
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ: () عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَةَ: () -عَنْ ذَكْرِيَّا: () -عَنْ أَيْيَهِ: () -عَنْ يَحْيَى قَالَ: ()	-	۰	۳	۹	۸۲-۸۸۷	۱۲
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ رَبَاحِ الْقَلَّاءِ: ()	-	۱	۳	۵	۸۳-۸۸۸	۱۳
-	-	-	۱	۱	۸۵-۸۹۰	۱۴

رقم	نحوه	كل رواي	روايات تكراري مجھول الحال	روايات مجھول الحال	الحال مجھول	الحال	روايات تكراري	كل رواي	غير تكراري مجھول الحال
١٥	٨٦-٨٩١	٥	٣	١	-	-	عَنْ أَبِي كَهْمَسِ قَالَ (الهِيْشِمُ ابْو كَهْمَسٍ) :-	عَنْ أَبِي كَهْمَسِ قَالَ (الهِيْشِمُ ابْو كَهْمَسٍ) :-	
١٦	٨٧-٨٩٢	٦	٤	١	-	-	عَنْ أَبِي أَيُوبِ الْمَدِينِيِّ (سَلِيمَانُ بْنُ مَقْبِلٍ الْمَدِينِيِّ) : لَمْ يَتَضَعَ حَالَهُ	عَنْ أَبِي أَيُوبِ الْمَدِينِيِّ (سَلِيمَانُ بْنُ مَقْبِلٍ الْمَدِينِيِّ) : لَمْ يَتَضَعَ حَالَهُ	
١٧	٨٨-٨٩٣	٧	٧	١	-	-			
١٨	٨٩-٨٩٤	٧	٥	-	-	-			
١٩	٩٠-٨٩٥	٥	٣	-	-	-			
٢٠	٩١-٨٩٦	٧	٤	٣	-	-	حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْفَرَّاتِ:- عَنْ عَلَىِّ بْنِ مَطَرٍ:-	حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْفَرَّاتِ:- عَنْ عَلَىِّ بْنِ مَطَرٍ:-	
٢١	١٠٠-٩٠٥	٧	٧	١	-	-	عَنِ السَّكِنِ الْخَرَازِ:-	عَنِ السَّكِنِ الْخَرَازِ:-	
٢٢	١٠١-٩٠٦	٥	٤	-	-	-			
٢٣	٨-٩٤٥	٦	٥	١	-	-			
٢٤	١٠-٩٤٧	٥	-	٥	٥	-	أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَمْزَةَ بْنُ عُمَارَةَ الْحَافِظُ :	أَخْبَرَنِي أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ حَمْزَةَ بْنُ عُمَارَةَ الْحَافِظُ :	
٢٥	٢٢-٩٥٩	٦	٥	-	-	-	حَدَّثَنِي سَالِمٌ بْنُ سَالِمٍ وَأَبُو عَرْوَةَ:- (حَدَّثَنَا أَبُو الْخَطَّابُ قَالَ:-)	حَدَّثَنِي سَالِمٌ بْنُ سَالِمٍ وَأَبُو عَرْوَةَ:- (حَدَّثَنَا أَبُو الْخَطَّابُ قَالَ:-)	
٢٦	٢٣-٩٦٠	٧	٧	-	-	-	- حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ:- (حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيُّ :-)	- حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ:- (حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَنْصَارِيُّ :-)	
٢٧	١٨-٩٨١	٦	٦	١	-	-			
٢٨	١٩-٩٨٢	٥	٣	١	-	-	- حَدَّثَنَا عَلَىِّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ :-	- حَدَّثَنَا عَلَىِّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ :-	
٢٩	٢٤-٩٨٧	٤	٤	-	-	-			
٣٠	٣٥-٩٩٨	٦	٦	١	-	-			
٣١	٣٦-٩٩٩	٦	٢	١	-	-	عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْحَاقَ:-	عَنْ يَحْيَى بْنِ إِسْحَاقَ:-	
٣٢	٣٧-١٠٠٠	٦	٤	٢	-	-	عَنْ رَجُلٍ:- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ حَالِدٍ:-	عَنْ رَجُلٍ:- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ حَالِدٍ:-	
٣٣	٣٨-١٠٠١	٤	٤	٢	-	-			
٣٤	٤١-١٠٠٤	٧	٤	-	-	-			
٣٥	٥١-١٠١٤	٧	٧	-	-	-			
٣٦	٥٢-١٠٧٧	٧	٧	-	-	-			
٣٧	٥٣-١٠٧٨	٨	٨	-	-	-			
٣٨	٥٤-١٠٧٩	٧	٧	٧	-	-			
٣٩	٦٠-١٠٨٥	٥	٣	-	-	-			

رقم	نحو	كل	رواية	رواية تكراري	الحال معهول	حال معهول	حال معهول	غير تكراري مجهول الحال
٤٠	٦١-١٠٨٦	-	٧	٧	٧	٧	٧	-
٤١	١١١٠١	-	٤	٣	٨	-	-	عن محمد بن علي البغدادي: () - عن أبيه (علي والد محمد بن على البغدادي همداني) () - عن عبد الله بن المبارك (الحنظلي): () - عن عبد الله بن زيد (بن اسلم) : ()
٤٢	٢-١١٠٢	-	٧	٧	٧	٧	٧	-
٤٣	٣-١١٠٣	-	٧	-	٨	-	-	حدثنا أبو أحمد محمد بن جعفر البندار الشافعى الفرغانى بفرغانة: () - حدثنا أبو بكر مسعة بن أنس: () حدثنا أبو عمرو أحمد بن حازم بن محمد بن يونس بن محمد بن حازم: () أبي غرزة المغارى صاحب رسول الله قال أحمد أخبرنا محمد بن كنائس أبو يحيى الأسى: () حدثنا هشام بن عروة (بن الزبير): () عن عثمان بن عروة (بن الزيد): () عن أبيه (عروه بن الزبير بن العوام): ()
٤٤	٧-١١١٣	-	١	١	٦	٦	٦	-
٤٥	٣-١١٢٣	-	٤	٥	٦	-	-	عن الربيع صاحب المصور الرابع بن يونس الاموى: ()
٤٦	٥-١١٥٢	-	-	٢	٤	-	-	-
٤٧	٦-١١٥٣	-	-	-	٥	٥	-	-
٤٨	٢١-١١٦٨	-	-	٣	٧	-	-	عن علي بن المغيرة: ()
٤٩	٢٥-١١٧٢	-	١	٤	٧	-	-	-
٥٠	٢٧-١١٧٤	-	٦	١	٨	-	-	حدثنا أبو سعيد محمد بن الفضل بن محمد بن إسحاق المذكور: () حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب الأصم: () قال حدثني بكر بن سهل الدمياطي: () حدثنا عبد الله بن المهاجري ربيع الشجبي: () حدثنا ابن وهب (عبدالله بن وهب بن مسلم): () عن حفص بن ميسرة (العقيلي): () حدثنا أبو أحمد محمد بن جعفر البندار الفقيه بفرغانة: ()
٥١	٢٨-١١٧٥	-	٦	١	٧	-	-	حدثنا أبو العباس الحمادى (محمد محمد بن جمهور الحماده): () - محبوبين على الصانع المكى بمكه: () حدثنا إبراهيم بن المنذر الجزامي: () حدثنى عبد الله بن محمد بن الحسين: ()

دیف	کا دیت	کل راوی	راویان تکراری	راوی مجهول الحال	الحال مجهول تکراری	غیر تکراری مجهول الحال
۵۲	۴-۱۲۰۴	۷	۱	-	-	حدّثني مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ عُثْمَانَ: (
۵۳	۱۰-۱۲۱۰	۷	۷	-	۱	-

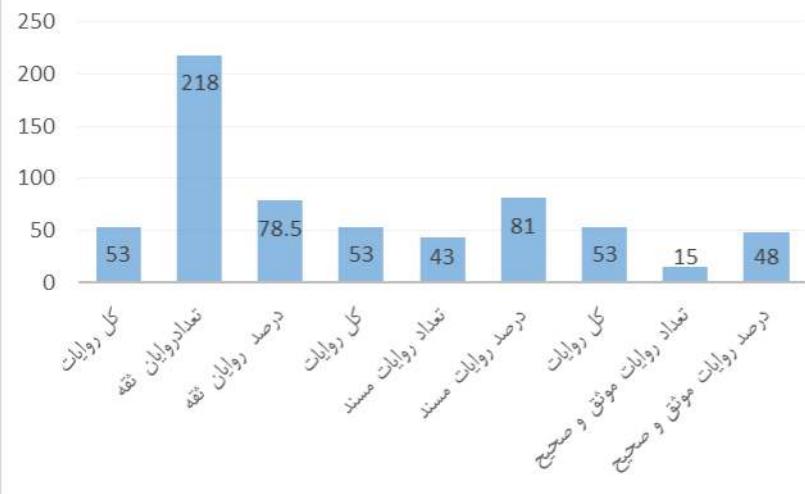
یادآوری: آمار تفصیلی راویان «موثق»، «ضعیف» و «مجهول الحال و توصیف نشده» و در هر یک از سه گروه، مقید به «تعداد کل راویان»، «تعداد راویان تکراری»، «تعداد راویان غیر تکراری»؛ در کنار شماره و کد هر یک از روایات طبی جلد دوم خصال نیز در جدول ذیل ارائه شده است.

بررسی آماری تعداد کل راویان تکراری و غیر تکراری ثقه، ضعیف، مجهول الحال جلد دوم

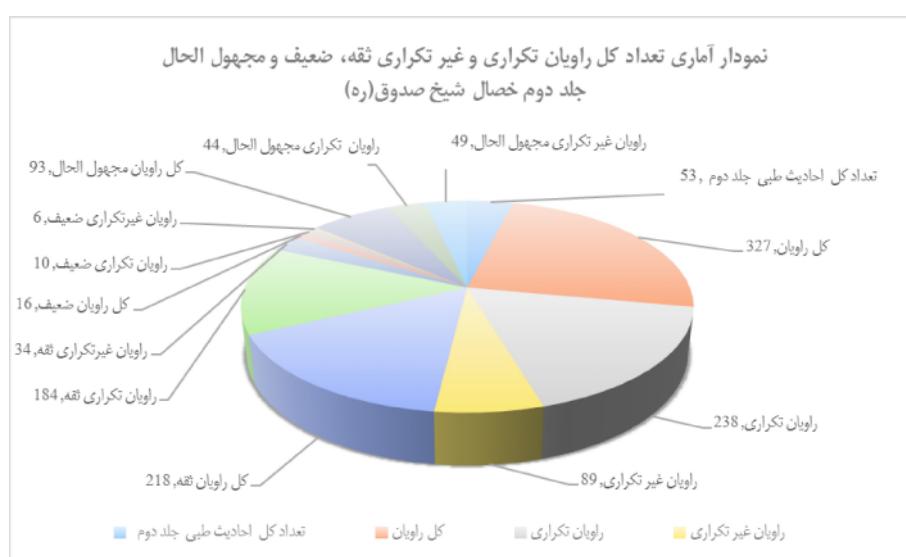
خصال صدوق

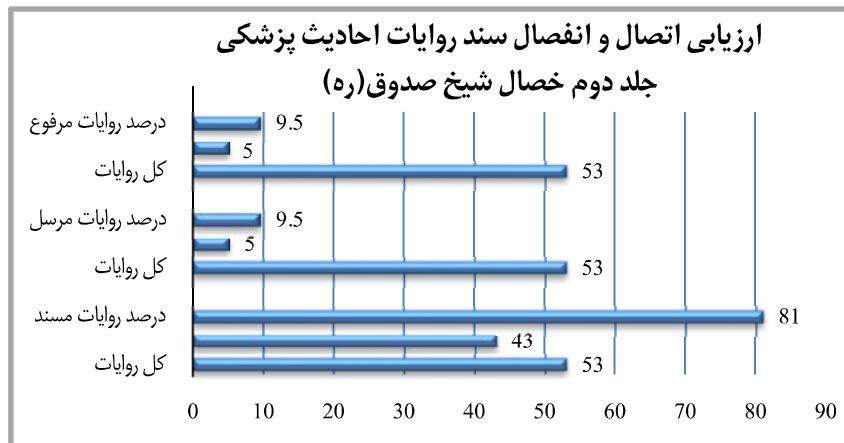
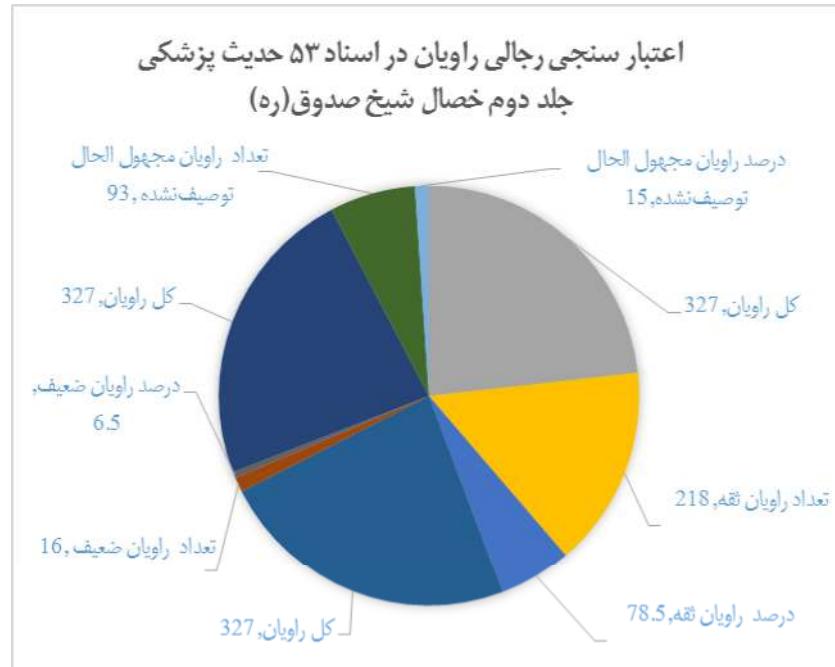
تعداد کل حدیث جلد ۲	کار راویان	راویان غیر تکراری	کل راویان ثقه	راویان غیر تکراری ثقه	کل راویان ضعیف	راویان تکراری ضعیف	راویان غیر تکراری ضعیف	کل راویان مجهول الحال	راویان تکراری مجهول الحال	کار راویان غیر تکراری مجهول الحال
۵۳	۳۲۷	۲۳۸	۸۹	۲۱۸	۳۴	۱۶	۱۰	۶	۹۳	۴۴

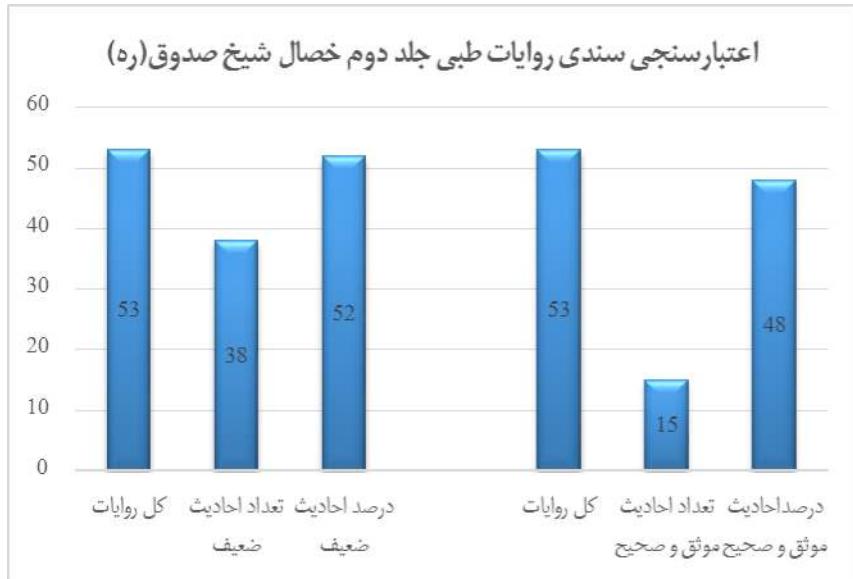
روایات پزشکی جلد دوم خصال شیخ صدوq(ره)



نمودار آماری تعداد کل روایان تکراری و غیر تکراری ثقة، ضعیف و مجھول الحال جلد دوم خصال شیخ صدوq(ره)







۱۱- نتیجه‌گیری

۱. کتاب خصال صدوق با بهرمندی از همه خصایص حديث‌نگاری وی و با وجود حجم کم، دایرة المعارف بزرگی از معارف اسلامی است که همواره مورد عنایت عالمان شیعه بوده است.

۲. از مجموع روایات موجود در جلد دوم خصال صدوق، اولًاً تعداد ۵۳ حدیث پژشکی استخراج شده است؛ ثانیاً مجموع راویان موجود در زنجیره سندی ۵۳ روایت طبی جلد دوم خصال، ۳۲۷ راوی‌اند که ۲۳۸ نفر از آنان، «راویان تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری» ۸۹ نفرند؛ ثالثاً مجموع «راویان ثقه» در سلسله اسناد این احادیث، ۲۱۸ راوی‌اند که ۱۸۴ نفر از آنان «راویان ثقه تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری ثقه» ۳۴ نفرند؛ رابعاً مجموع «راویان ضعیف» در سلسله اسناد این روایات، شانزده راوی‌اند که ده نفر از آنان «راویان ضعیف تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری ضعیف» شش نفرند؛ خامساً مجموع «راویان مجهول الحال و توصیف‌نشده» در زنجیره سندی این ۵۳ حدیث، ۹۳ راوی‌اند که ۴۴ نفر از آنان «راویان مجهول الحال و توصیف‌نشده تکراری» و مجموع «راویان غیر تکراری» در این حوزه، ۴۹ نفرند.

با توجه به آمار دقیق ارائه شده، به لحاظ «اعتبارسنگی رجالی روایان»، حدود ۷۸/۵ درصد (۲۱۸=) روای از مجموع ۳۲۷ روای موجود در اسناد ۵۳ حدیث پزشکی جلد دوم خصال، «روایان ثقه»‌اند و حدود ۱۵ درصد (= ۹۳ روای) از آن‌ها «روایان مجھول الحال و توصیف‌نشده» و حدود ۶/۵ درصد (= ۱۶ روای) از کل روایان، «روات ضعیف» هستند. به عبارت دیگر، بیش از دو سوم روایان احادیث طبی مجلد دوم خصال، ثقه و مورد پذیرش‌اند.

۳. به لحاظ «اعتبارسنگی سندی روایات»، حدود ۵۲ درصد (= ۳۸ روایت) از مجموع ۵۳ روایت طبی جلد دوم خصال، «احادیث ضعیف»‌اند و حدود ۴۸ درصد (= پانزده روایت؛ مجموع پنج روایت موثق و ده روایت صحیح) از این تعداد، احادیث «موثق و صحیح» و مورد پذیرش محدثان هستند. مضارفاً به این که ضعف روایات، علت تامه در عدم پذیرش روایات شمرده نمی‌شود.

۴. از نظر «ارزیابی اتصال و انفصل سند روایات»، حدود ۸۱ درصد (= ۴۳ روایت) از مجموع ۵۳ حدیث پزشکی جلد دوم خصال، «روایات مستند»‌اند و حدود ۴ درصد (= پنج روایت) از کل این تعداد، «روایات مرسل» و حدود ۹ درصد (= پنج روایت) از آن‌ها «روایات مرفوع»‌اند. به عبارت دیگر، ۹۰ درصد (نه دهم) روایات پزشکی جلد دوم خصال «روایات مستند» هستند.

۵. در نهایت «روایات پزشکی» جلد دوم خصال صدق، به دلیل بهرمندی از خصایص مثبت حدیث‌نگاری وی، برخورداری بیش از ۷۸/۵ درصد «راوی ثقه» در سلسله اسناد این روایات، استعمال بر بیش از ۸۱ درصد «روایات مستند» و ۴۸ درصد «روایات موثق و صحیح» قابل پذیرش محدثان، به لحاظ سندی-رجالی از قوت فراوانی برخوردار است.

كتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، الاعتقادات، قم: کنگره مفید.
۳. ابن خلدون عبدالرحمن (بی‌تا)، تاریخ ابن خلدون، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. ابن سینا حسین بن عبدالله، (۱۳۶۳ش)، شفاء، تحقیق: سعید زاهد قنواتی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۵. آزادی، پرویز (۱۳۹۰ش)، «بررسی جایگاه اهمیت و اعتبار سنجی کتاب کمال الدین و تمام النعمه»، مجله مطالعات قرآن و حدیث.
۶. اشقر، محمد بن سلیمان (۲۰۰۳م)، افعال الرسول، بیروت: مؤسسه الرساله.
۷. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، اعيان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۸. بستانی، قاسم و مصطفی عباسی مقدم و نصره باجی (۱۳۹۵ش)، «احادیث طبی؛ منشا، حجیت و گونه‌شناسی»، نشریه حدیث حوزه، ش ۲۱، ص ۶۸ - ۹۱.
۹. دهلوی، احمد بن عبد الرحیم، (بی‌تا)، حجه الله البالغة، تحقیق: سید سابق، قاهره: دار الكتب الحدیثة.
۱۰. سبحانی، جعفر (۱۴۰۸ق)، کلیات فی علم الرجال، قم: مدیریت حوزه علمیه.
۱۱. سُبکی، عبدالوهاب (۱۳۵۶ق)، جمع الجوامع، ترجمه: طبی مصطفی، قاهره.
۱۲. شریف مرتضی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، الشافی فی الامامه، تهران: مؤسسه الصادق.
۱۳. فاطمی، سیدعلی (۱۳۹۷ش)، گزارش نشست علمی «جستاری در روایات طبی در پرتو ملاحظات فقهی اصولی»، در سایت: <http://mobahesat.ir/۱۷۷۹۷>.
۱۴. مجلسی، محمد باقر (۱۴۲۳ق)، زاد المعد، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۴ش)، اهل بیت در قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث.
۱۶. مدیر شانه‌چی، کاظم (۱۳۷۵ش)، درایة الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۷. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش)، وضع و نقد حدیث، تهران: سازمان سمت و دانشکده علوم حدیث.
۱۸. مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۷ش)، «روایات طبی، تبار و اعتبار»، فصلنامه علوم حدیث، سال ۲۳، ش ۱.

۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. معارف، مجید (۱۳۸۷ش)، شناخت حدیث، تهران: مؤسسه فرهنگی نبأ.
۲۱. معارف، مجید و راضیه مظفری (۱۳۹۷ش)، «واکاوی روش محدث نوری در اعتباربخشی به کتب حدیثی در خاتمه مستدرک الوسائل»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال ۵۱، ش. ۲.
۲۲. مدب، رضا، حسین ستار (۱۳۹۳ش)، «بررسی نقش روایت مشترک در اخبار منتقله»، حدیث‌پژوهی، سال ششم، ش. ۱۱.
۲۳. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۴. نرم افزار جامع فقه اهل بیت، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۲۵. نرم افزار جامع الأحادیث، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.

